

درباره امام زمان عليه السلام



محمد تقی صرفی پور



شناخت مختصری از امام زمان علیه السلام

تولد حضرت مهدی علیه السلام در نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج هجری در سامراء بوده است . مادرش نرگس خاتون که نسبش به حضرت شمعون،وصی حضرت عیسی علیه السلام می رسد. و پدرش امام عسکری علیه السلام می باشد .

خوش آمدی گویی به قائم

مسعودی در کتاب اثبات الوصیه می نویسد؛ از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمودند

هنگامی که حضرت صاحب الزمان (صلوات الله علیه) به دنیا آمد خداوند دو فرشته را فرستاد، او را برداشتند و با خود به سراپرده ی عرش الهی بالا بردند تا اینکه او را در پیشگاه قرب پروردگار نگهداشتند،

از مقام ربوبی خطاب شد:

**خوش آمدی، بواسطه ی تو عنایت می
کنم،**

و به خاطر تو عفو می کنم،

و به سبب تو دشمنانم را عذاب می کنم...
..^۱

¹ اثبات الوصیه ص 251

نام امام دوازدهم ، محمد، همانم پیامبر اسلام و کنیه اش
 نیز ابوالقاسم هم کنیه پیامبر اسلام ولی معروف به
 مهدی است . در کتاب « فرهنگ مهدی علیه السلام »
 آمده که در کتب مختلف نام های مختلفی برای
 حضرت وجود دارد از جمله : « فرخنده » در کتاب
 اشعیای نبی ، « ایستاده » در کتاب شاکمونی ، « بنده
 یزدان » در کتاب ایستاع ، « بهرام » در کتاب مجوس ، «
 پرویز به معنای پیروز و مظفر » در کتاب برزین
 آزر فارسیاب ، « حاشر » در صحف ابراهیم علیه السلام ،
 « سروش ایزد » در کتاب زمزم زردتشت

القاب

لقبهای آن حضرت به شرح زیر است : فجر ، قائم ،
 مهدی ، هادی ، امیر الامراء ، بقیة الانبیاء ، جابر ، حامد ،
 حجت ، حق ، حمد ، خجسته ، خداشناس ، خسرو «
 سلطان عظیم الشأن » ، خلیل ، دابة الارض ، داعی ، سناء

« روشنائی » ، سید ، صاحب ، صراط ، ضیاء ، عالم ،
عدل ، عصر ، غوث ، غیب ، فتح .

اما کنیه‌های حضرت : ابوالقاسم ، ابوتراب ، ابوجعفر ،
ابا صالح ، ابو عبدالله و ابو محمد .

تولد مبارک

حکیمه خاتون می گوید : « شب نیمه شعبان امام حسن عسگری
علیه السلام به من فرمود : امشب نزد ما باش ، که در این شب
فرزندی گرامی متولد می شود که خداوند به وسیله او زمین را به
علم و ایمان زنده می کند ، بعد از آنکه به واسطه اشاعه کفر و
ضلالت مرده باشد ! گفتم : از چه کسی این فرزند متولد می شود
؟ فرمود : از نرجس به هم می رسد نه از دیگری ! من بلند شدم و
پشت و شکم نرجس را مشاهده کردم و گفتم : هیچ گونه اثری
از حمل نیست ؟ حضرت تبسم نمود و فرمود که چون صبح
می شود اثر بارداری بر او ظاهر می شود و مثل او مانند مادر
موسی است ، که تا هنگام ولادت هیچ اثری از بارداری در او
نبود و احدی متوجه نشد ، زیرا فرعون شکم زنان حامله را برای

دست یافت به موسی می شکافت و سرنوشت این فرزند نیز شبیه
حضرت موسی است !

حکیمه می گوید : شب در آنجا ماندم و افطار کردم و نزدیک
نرجس خوابیدم و در هر ساعت از او خبر می گرفتم ، ولی او به
حال طبیعی خوابیده بود ! در این شب زودتر از شب های دیگر
به تهجد برخاستم و نماز شب را اداء کردم و چون به نماز وتر
رسیدم ، نرجس بلند شد و وضو گرفت و نماز شب را به جا
آورد ! چون نگاه کردم و دیدم که فجر کاذب طلوع کرده بود !
نزدیک بود که شکی از وعده ای که امام علیه السلام داده بود ،
در دلم پدید آید ! ناگاه امام حسن علیه السلام از اطاق خود ندا
در دادند

که ای عمه شک نکن ، که وقتش نزدیک شده است ! در این
موقع در نرجس اضطرابی مشاهده کردم ! او را در بر گرفتم و
نام های الهی را بر او خواندم .

حضرت صدا زدند که سوره قدر را بر او بخوان ! از نرجس
پرسیدم : در چه حالی هستی ؟ گفت : اثر آنچه مولایم فرمود :
ظاهر شده است ! چون شروع به خواندن سوره قدر نمودم آن

طفل در شكّم مادر با من همراهى در خواندن مى كرد و بر من
سلام كرد! من ترسيدم! حضرت صدا كرد كه: از قدرت خدا
تعجب مكن، كه طفلان ما را به حكمت گويا مى گرداند و ما را
در بزرگى، حجت خود در زمين ساخته است. چون سخن امام
عليه السلام تمام شد. نرجس از ديده من غائب شد! گويا ميان
من و او حائل گرديد! فرياد كنان به سوى امام عليه السلام
دويدم! حضرت فرمود: اى عمه برگرد كه او را در جاى خود
خواهى ديد. چون برگشتم، پرده گشوده شد و در نرجس
نورى مشاهده كردم كه ديده مرا خيره كرد و حضرت صاحب
عليه السلام را ديدم كه رو به قبله بر زانوها به سجده افتاده و
انگشتان سبابه را به آسمان بلند كرده و مى گويد: شهادت
مى دهم كه خدائى جز خداى يگانه نيست و شريكى ندارد و
جد من رسول خداست و پدرم اميرمؤمنان وصى رسول خداست
. يك يك امامان را شمرد تا به خودش رسيد و فرمود: خدايا
وعده مرا به اثبات برسان و امر مرا كامل كن و انتقام مرا از
دشمنان بگير و زمين را به وسيله من از عدل و داد پر فرما! در
اين فرصت امام حسن عسگرى عليه السلام فرمود: عمه جان!
فرزندم را بياور! آن فرزند سعادت مند را نزد امام عليه السلام بردم
. چون نظرش بر پدر افتاد سلام كرد.

حضرت او را گرفت و زبان مبارک بر دو دیده‌اش مالید و در دهان و هر دو گوشش زبان گردانید و بر کف چپ ، او را نشانید و دست بر سر او مالید و گفت : ای فرزند ! به قدرت الهی سخن بگو ! کودک به سخن آمد و گفت : « أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ » . « بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَتُمْكِنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ » »

می‌خواهیم بر مستضعفین زمین منت بگذاریم و آنان را پیشوا و وارث قرار بدهیم و مسلط بر زمین کنیم ^۲ .

امامت

حضرت مهدی **علیه السلام** در سن پنج سالگی به مقام امامت رسید و از همان موقع غیبت صغری که 69 سال طول کشید آغاز شد و در این مدت به وسیله نایبان خاصش به ترتیب ، عثمان بن سعید ، محمد بن عثمان ،

² منتهی الامال : ج 2 ، ص 421

حسین بن روح و علی بن محمد سمري با مردم در
ارتباط بود .

پس از رحلت علی بن محمد سمري آخرين نایب
حضرت در سال 329، غیبت کبری آغاز شد که در این
مدت نایبان عام امام عصر علیه السلام که فقهاء و
مجتهدین شیعه هستند ، رهبری مردم را در دست دارند .
که امام علیه السلام در سخنی آنها را نمایندگان خود
معرفی نمود .

**گفتار پیامبر اعظم و اهل بیت
علیه وعلیهم السلام درباره**

امامت مهدی (عج)

- پیامبر صلی اله علیه و آله در
خطابه غدیر درباره امام
زمان (عج) فرمودند

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَئِمَّةِ مِنَّا الْقَائِمُ
الْمَهْدِي .

أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ

أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ

أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَهَادِمُهَا

أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ
الشِّرْكِ وَهَادِيهَا

أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ

أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ

أَلَا إِنَّهُ الْغَرَافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ

أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ
كُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ

أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَ مُخْتَارُهُ

أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ
بِكُلِّ فَهْمٍ

أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ
الْمُشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ

أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّدِيدُ

أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ

أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنْ
الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ

أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةٌ وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ
وَلَا حَقٌّ إِلَّا مَعَهُ وَلَا نُورٌ إِلَّا عِنْدَهُ

أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ

أَلَا وَإِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحَكَمُهُ فِي
خَلْقِهِ، وَأَمِيئُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ

آگاه باشید! همانا آخرین امام،
قائم مهدی از ماست

هان! او بر تمامی ادیان چیره
خواهد بود

هشدار! که اوست انتقام گیرنده
از ستمکاران

هشدار! که اوست فاتح دژها و
منهدم کننده ی آنها

هشدار! که اوست چیره بر تمامی
قبایل مشرکان و راهنمی آنان

هشدار! که او خونخواه تمام
اوليي خداست

آگاه باشید! اوست ياور دين خدا

هشدار! که از دريائي ژرف پيمانه
هايي افزون گيرد

هشدار! که او به هر ارزشمندی به
اندازه ي ارزش او، و به هر
نادان و بي ارزشي به اندازه ي
ناداني اش نيکي کند

هشدار! که او نيکو و برگزيده ي
خداوند است

هشدار! که او وارث دانش ها و
حاکم بر ادراك هاست

هان! بدانيد که او از سوي
پروردگارش سخن مي گوید و آيات و
نشانه هي او را برپا کند

بدانيد همانا اوست باليده و
استوار

بیدار باشید! هموست که [اختیار
امور جهانیان و آیین آنان] به
.او واگذار شده است

آگاه باشید! که تمامی گذشتگان
ظهور او را پیشگویی کرده اند

آگاه باشید! که اوست حجت پایدار
و پس از او حجتی نخواهد بود.
درستی و راستی و نور و روشنایی
تنها نزد اوست

هان! کسی بر او پیروز نخواهد شد
.و ستیزنده ی او یاری نخواهد گشت

آگاه باشید که او ولی خدا در
زمین، داور او در میان مردم و
.امانتدار امور آشکار و نهان است

1-امیر مؤمنان علیه السلام

کمیل بن زیاد می گوید: حضرت -
علی علیه السلام دستم را گرفت و
به سوی قبرستان کوفه برد.
هنگامی که به صحرا رسیدیم، آهی

:کشید و فرمود

((آری، هرگز زمین از کسی که ...
به حجت الهی قیام کند خالی نمی
شود؛ خواه ظاهر باشد و آشکار یا
ترسان و پنهان! تا دلایل و نشانه
های روشن خداوند باطل نگردد،
ولی آن ها چند نفرند و کجا
هستند؟! سوگند به خدا، تعداد
آنان کم و ارزش و مقامشان نزد
خدا بسیار است ... آنان جانشینان
خدا در روی زمین و دعوت کنندگان
به دین او هستند))
کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام
در مورد «حجت ترسان و پنهان
خدا» اشاره به امام غایب (عج)
است.

عبدالعظیم حسنی از امام جواد -
علیه السلام و او از پدران گرامی
اش از امیر مؤمنان علیه السلام
:این گونه نقل کرده است
((قائم ما غیبتی طولانی خواهد
داشت، شیعیان زمان غیبتش را
همانند گله ای می بینم که دنبال
چراگاه است، ولی آن را نمی
یابد. آگاه باشید هر کدام از
آنان بر دینش ثابت و استوار

بماند و به خاطر طول غیبت قائم
علیه السلام دلش سخت نگردد،
روز قیامت با من و هم پایه من
خواهد بود)³

2- حضرت زهرا علیها السلام

جابر بن عبدالله می گوید: برای
تبریک ولادت امام حسن علیه السلام
نزد سرورم حضرت فاطمه علیها
السلام رفتم، در دستش صحیفه ای
از دُرّ سفید دیدم.
عرض کردم: ای بهترین زنان عالم!
این صحیفه چیست؟ فرمود
در این صحیفه نام امامان و
پیشوایان از فرزندان من نوشته
شده است.
عرض کردم: ممکن است آن را به من
دهید تا نگاه کنم؟ فرمود
ای جابر! اگر اشکال نداشت می
دادم، اما جز پیامبر صلی الله علیه
و آله یا وصی یا اهل بیت نبی
نمی تواند به این لوح دست بزند.
به تو اجازه می دهم که فقط به

آن نگاه کنی.
جابر می گوید: نگاه کردم دیدم
نام پیامبر صلی الله علیه و آله و
امامان و نام پدر و مادر هر
کدام در آن نوشته شده است.
مشخصات آخرین امام، عبارت بود
از:

ابوالقاسم م ح م د بن حسن، حجت
خدا برآفریدگانش، مادرش کنیزی
به نام نرجس است⁴

3- امام حسن علیه السلام

ابو سعید می گوید: امام حسن
علیه السلام خطاب به مردم می
فرمود
آیا نمی دانید که هر یک از ما
بیعت طاغوت زمانش را بر گردن
دارد جز قائم، همان کسی که روح
خدا عیسی بن مریم پشت سرش به
نماز می ایستد

از این رو، خداوند ولادتش را
پنهان خواهد کرد و شخص او از

بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹، ۱.

دیده ها غایب خواهد بود تا این
 که قبل از خروج، بیعت کسی را بر
 گردن نداشته باشد. او نهمین از
 فرزندان حسین و فرزند سرور
 کنیزان است، خداوند عمرش را
 طولانی می کند، سپس به قدرتش او
 را در سیمای جوان زیر چهل سال
 ظاهر می کند تا همه بدانند
 خداوند بر هر کاری تواناست⁵

4- امام حسین علیه السلام

عبدالرحمان بن ثابت می گوید:
 امام حسین علیه السلام فرمود
 دوازده نفر (امام و پیشوا) از
 ما اهل بیت است، نخستین آن ها
 امیر مؤمنان علی بن ابی طالب
 علیه السلام و آخرین شان نهمین
 از فرزندان من و قائم به حق است

خداوند زمین را بعد از مرگش
 توسط او زنده می کند و دین حق
 را به وسیله او بر تمام دین ها

1. علی نوری، علی رضا، شناخت حضرت مهدی (عج)، اجلد، زمزم هدایت -
 قم، چاپ: سوم، ۱۳۸۵

چیره می گرداند، گرچه برای
 مشرکان ناپسند باشد. او غیبتی
 خواهد داشت که در آن گروهی از
 دینشان (از عقیده به امامت آن
 حضرت) برمی گردند و عده ای بر
 دینشان ثابت و استوار می مانند؛
 این گروه (توسط مخالفان) آزار
 می شوند و به آنان گفته می شود:
 اگر راست می گوئید، این وعده
 (ظهور مهدی) کی خواهد بود؟ آگاه
 باشید، آن ها که در زمان غیبتش
 در برابر اذیت و آزار (مخالفان)
 صبر پیشه کنند (و از عقیده به
 امامت مهدی (عج) دست برندارند)،
 همانند کسانی اند که در کنار
 رسول خدا صلی الله علیه و آله با
 شمشیر جهاد می کردند⁶

5- امام سجاد علیه السلام

سعید بن جبیر می گوید: امام زین
 العابدین علیه السلام فرمود
 ولادت قائم ما از مردم پوشیده می
 ماند، به گونه ای که تعدادی از

کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲- ۱، ص ۳۰۷، 1.

مردم می گویند: هنوز متولد نشده
است و آن (غیبت قائم و پوشیده
بودن ولادتش) برای این است که
وقتی ظهورکرد، بیعت هیچ طاغوتی
را بر گردن نداشته باشد⁷

6-امام محمد باقر علیه السلام

محمد بن مسلم می گوید: از امام
باقر علیه السلام شنیدم که فرمود
قائم ما (عج) با (ایجاد) بیم و
هراس (در دل دشمنانش) یاری می
شود، به پیروزی تأیید می گردد ...
شعاع سلطنت و حکومتش به شرق و
غرب زمین می رسد، خداوند به
وسیله او دینش را بر تمام دین
ها پیروز می کند، گرچه برای
مشرکان ناپسند باشد، خرابی ها
از روی زمین برچیده شده و همه
جا آباد شود، روح خدا عیسی بن

مریم علیه السلام فرود آمده و
پشت سرش نماز می گزارد⁸

7- امام صادق علیه السلام

مَسْعَدَه می گوید: نزد امام صادق
علیه السلام بودم که پیرمرد قد
خمیده ای با عصا وارد شد و به
آن حضرت سلام کرد. سپس دستش را
بوسید و گریه کرد. امام صادق
علیه السلام فرمود: پیرمرد چرا
گریه می کنی؟ او عرض کرد
فدایت شوم ای پسر رسول خدا صلی
الله علیه و آله! صد سال است که در
انتظار قائم شما هستم؛ با خودم
می گویم این ماه ظهور می کند،
امسال می آید، امّا سنّم بالا رفته
و اجلم نزدیک شده و می بینم
برای شما اهل بیت حوادث
ناخوشایندی رخ می دهد، یا کشته
می شوید یا تبعید و آواره می
گردید، ولی دشمنان غالب و
پیروزند؛ بنابراین چرا گریه
نکنم.

مسعده می گوید: با شنیدن سخنان
 او چشمان امام صادق علیه السلام
 پر از اشک شد و فرمود
 ای پیرمرد! اگر خداوند به تو
 عمری دهد که قائم ما را ببینی،
 در بهشت برین با ما خواهی بود و
 اگر قبل از آن مرگت رسید، روز
 قیامت با خاندان محمد صلی الله علیه و
 آله محشور خواهی شد ... ای
 پیرمرد! قائم ما، فرزند حسن بن
 علی بن محمد بن علی بن موسی است و
 موسی فرزند من است، ما دوازده
 نفر همه پاک و معصومیم ... ای
 پیرمرد! سوگند به خدا، اگر از
 دنیا فقط یک روز مانده باشد،
 خداوند آن را طولانی می کند تا
 قائم ما اهل بیت خروج نماید⁹

8- امام موسی کاظم علیه السلام

یونس بن عبدالرحمان می گوید:
 نزد امام موسی کاظم علیه السلام
 رفتم و

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا!
آیا قائم به حق تو هستی؟ فرمود
من قائم به حقم، اما آن قائمی
که زمین را از لوٹ وجود دشمنان
خدا پاک می کند و آن را از عدل
و داد پر می نماید، آن سان که
از ظلم و جور پر شده است،
پنجمین از فرزندان من است که
غیبتی طولانی خواهد داشت¹⁰

پدرم بفدایش...

«امام کاظم علیه السلام بعد از
نماز عصر در بغداد فرمودند: پدرم
فدای کسیکه شکمش فراخ و ابروانش
پیوسته و ساقهای پایش باریک
و فاصله مابین دوشانه اش، دور و
رنگ چهره اش گندمین و میان سیاه
و سفید است و با وجود رنگ
گندمی، زردی به واسطه بیداری شب
پیوسته بر او نمایان است.
پدرم فدای کسیکه شبها در حالی
که در سجده و رکوع است، ستارگان¹¹
رامی پاید...»¹¹

منتخب الاثر، ص ۲۹۲، ۱.

¹¹ «فلاح السائل - سیدین طاووس

9- امام رضا علیه السلام

رِیَّان بن صَلْت می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا صاحب این امر تو هستی؟ فرمود من صاحب امر هستم، امّا آن کس نیستم که زمین را از عدل و داد پر می کند، آن گونه که از ستم پر شده است؛ چگونه من هم او باشم با ضعفی که در اندامم مشاهده می کنی، در حالی که وقتی قائم خروج کند، در سن پیرمردان و در سیمای جوانان است، بدنی نیرومند دارد، به گونه ای که قوی ترین درخت را می تواند با دست از زمین برکند ... او چهارمین از فرزندان من است، خداوند او را از دیده ها می پوشاند تا روزی که آشکار شده، زمین را از عدل و داد پر کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است¹²

امام رضا علیه السلام نیز درباره
آن حضرت می فرماید

بأبی و امّی لمسمّی جدّی و شبیهی¹³
و شبیهه موسی بن عمران، علیه
جیوب النور، یتوقّد من شعاع ضیاء
«القدس

پدر و مادرم فدای او باد؛ او هم
نام جدّم رسول الله و شبیهه من و
شبیهه موسی بن عمران است. بر او
پیراهن های نور است که از شعاع
نور عالم قدس، فروغ می گیرد».

به گذشت شب و روز پیر نشود

حضرت رضا علیه السلام در روایت
دیگری، در پاسخ اباصلت هروی که
از ایشان پرسید: «نشانه های
قائم شما هنگام ظهور چیست؟» می
فرماید

نشانه اش این است که در سنّ پیری
است، ولی منظرش جوان است، به

¹³الغیبه النعمانی، ص 180

گونه ای که بیننده می پندارد
چهل ساله یا کمتر از آن است

نشانه دیگرش آن است که به ¹⁴
گذشت شب و روز پیر نشود تا آنکه
آجلش فرا رسد

10- امام جواد علیه السلام

عبدالعظیم حسنی گوید: به امام
جواد علیه السلام عرض کردم:
امیدوارم قائم خاندان محمد صلی الله
علیه و آله شما باشی، همان کسی
که زمین را از عدل و داد پر می
کند، آن سان که از ظلم و جور پر
شده است. فرمود:

ای ابوالقاسم! همه ما (امامان)
قائم به امر خدا و هدایتگر مردم
به سوی دینش هستیم، اما آن
قائمی که خداوند توسط او زمین
را از لوث وجود کافران پاک می
گرداند و از عدل و داد پر می
نماید، کسی است که ولادتش از

مردم پوشیده می ماند و شخص او
از دیده ها پنهان می شود و بر
مردم حرام است نام (مخصوص) او
را ببرند، او همنام و هم کنیه
رسول خداست¹⁵

11- امام هادی علیه السلام

ابی دُلف می گوید: از امام علی
النقی علیه السلام شنیدم که
فرمود

امام و پیشوای بعد از من فرزندانم
حسن است و بعد از او فرزندش
قائم (عج) است، همان کسی که
زمین را از عدل و داد پر می کند
آن گونه که از ظلم و جور پر شده
است.¹⁶

12- امام عسکری علیه السلام

1. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱،
15

1. منتخب الاثر، ص ۲۲۱،
16

موسی بغدادی می گوید: از امام
حسن عسکری علیه السلام شنیدم که
فرمود

گویا شما را می بینم که در مورد
جانشین بعد از من اختلاف دارید.
آگاه باشید هر که به امامان بعد
از رسول خدا عقیده مند باشد،
ولی امامت فرزندان را انکار
نماید، همانند این است که به
نبوت تمام پیامبران و رسولان
اقرار کند و منکر نبوت رسول خدا
باشد (چنین فردی در حقیقت منکر
همه پیامبران است)؛ زیرا پیروی
از آخرین امام، مانند پیروی از
اولین امام است و آن که آخرین
امام را انکار نماید، همانند
این است که اولین امام را منکر
شده است.

آگاه باشید، فرزندان غیبتی خواهد
داشت که مردم در آن (نسبت به
امامتش) به شک می افتند، جز آن
ها که خداوند حفظشان کند^{۱۷}

امام رضا علیه السلام با نام امام مهدی علیه السلام برخاست و دست
بر سر گذاشت

عالم محدث جلیل و فاضل ماهر متبحر نبیل سیدنا لاجل آقا سید
حسن موسی کاظمی - (أَدَامَ اللَّهُ بَقَاءَهُ) در (تکمله امل الامل)
فرموده آنچه که حاصلش این است: یکی از علماء امامیه
عبدالرضا ابن محمد که از اولاد متوکل است کتابی نوشته در
وفات حضرت امام رضا علیه السلام موسوم به (تاجیج نیران الا
حزان فی وفات سلطان خراسان) و از متفردات آن کتاب این
است که فرموده روایت شده که دعبل خزاعی وقتی که انشاد کرد
قصیده تائیه خود را برای حضرت رضا علیه السلام چون رسید به
این شعر: (خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مُحَالَهَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ بِالْبِرْكَاتِ
).

حضرت امام رضا علیه السلام برخاست و بر روی پاهای مبارک
خود ایستاد و سر نازنین خود را خم کرد به سوی زمین پس از

آنکه کف دست راست خود را بر سر گذاشته بود و گفت :
اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ مَخْرَجَهُ وَاَنْصُرْنَا بِهٖ نَصْرًا عَزِيْزًا، ^{۱۸}.

فلسفه ایستادن با ذکر نام قائم علیه السلام

ایه الله سید محمود طالقانی درباره
علت قیام در هنگام ذکر نام مهدی
عج می فرماید :

این دستور قیام، شاید (فقط) «
برای احترام نباشد، و الا باید
برای خدا و رسول و اولیای مکرم
دیگر هم به قیام احترام کرد،
بلکه دستور آمادگی و فراهم کردن
مقدمات نهضت جهانی و در صف
ایستادن برای پشتیبانی این
حقیقت است... این همه فشار و

مصیبت، از آغاز حکومت دودمان
دنائت و رذالت اموی، تا جنگهای
صلیبی و حمله مغول و اختناق و
تعدیلهای دولتهای استعماری، بر
سر هر ملتی وارد می آمد،
خاکسترش هم به باد فنا رفته

¹⁸ منتهی الامال

بود؛ لیکن دینی که پیشوایان حق آن دستور می دهند که چون اسم صریح «قائم» مؤسس دولت حقه اسلام برده می شود، به پا بایستید و آمادگی خود را برای انجام تمام دستورات اعلام کنید، و خود را همیشه نیرومند و مقتدر نشان دهید، هیچ وقت نخواهد مرد

حتی در جایی دیگر آورده شده • است: البته می توان گفت در بعضی شرایط واجب می باشد. مثل اینکه حضرت در این لقب یا القاب دیگر مجلس یاد شود، آنگاه همه اهل مجلس به احترام آن به پا خیزند. در این حال اگر کسی از اهل مجلس بدون عذر از جای خود برنخیزد، این برنخاستن توهین و هتک حرمت آن حضرت خواهد بود، و بدیهی است این عمل حرام می باشد)¹⁹ حال این سوال پیش می آید

چرا به غلط برخی افراد در زمان ایراد خطبه دوم نماز جمعه و هنگام بردن نام ائمه اطهار علیه السلام، از همان ابتدا قیام می کنند؟

این کار ما دقیقا خلاف آن چیز است که در سنت و در دین ما آمده است.

برای درک بهتر این موضوع بعد از بیان روایات متعدد می توان به این مطلب اشاره کنم که خودمان را اگر بگذاریم جای فردی که نه مسلمان نیست و در جایی آنطرف کره زمین ما را از طریق گیرنده می بینند، چه چیزی پیش خودش فکر می کند، چون در این قیام ما نه اتحادی می بیند و نه دلیل خاصی .!را می یابد

ما هم مانند یک لشکر شکست خورده از ابتدا تا زمانی که نام مبارک قائم آل محمد (ص) یکی یکی از جا بر میخیزیم و به تعبیری خدایی نکرده خستگی در می آوریم یا به این طرف و آنطرف نگاه میکنیم.

دیگر لازم به گفتن این سخن نیست
که ایستادن و احترام کردن برای
امام زمان (عج) فقط نیست و ما
در هر زمانی از تاریخ که بودیم
به امام و مولایمان در آن عصر
احترام میکنیم، حتی اگر جانمان
را هم فدا کنیم کاری نکرده ایم.
ولی طبق روایات و احادیث این
ویژگی در هر حال حاضر و از
زمانی که این نام مبارک برای
امام زمان (عج) منظور گردیده
است، می بایست فقط زمان شنیدن
این نام تمام قد قیام کنیم و به
احترام دست به سینه یا دست
(راست) بر سر بگذاریم!

ما شب و روز انتظار تو را
داشتیم، چرا دیر کردی؟

علی بن مهزیار گفت: چون به خدمت
حضرت قائم علیه السلام رسیدم،
حضرت به من فرمود: ما شب و روز
انتظار تو را داشتیم، چرا دیر
کردی؟

عرض کردم: کسی نبود که مرا به
سوی شما راهنمایی کند

پس حضرت با انگشت به زمین زد و
فرمود: اینچنین نیست، ولی شما
به گردآوری اموال پرداختید و بر
ضعفای مؤمنین تاجر به خرج دادید
و قطع صله رحم کردید، پس اکنون
چه عذری برای شما وجود دارد؟

گفتم: التوبه، التوبه

پس فرمود: ای پسر مهزیار، اگر
نبود استغفار بعضی از ما برای
بعضی، هر آینه هرکس بر روی زمین
بود هلاک می شد بجز خواص شیعه،
آنان که اقوالشان با افعالشان
شبهه است^{۲۰}

نشانه های امام زمان علیه السلام
از زبان ابن مهزیار

علی بن ابراهیم بن مهزیار
اهوازی» که بیست مرتبه به شوق

²⁰ کمال الدین و تمام النعمه - باب 43

دیدار مولایش - امام مهدیعلیه
السلام - به حج مشرف شد و
سرانجام به آرزوی خود دست یافت،
در گزارش دیدار خود، آن حضرت را
این گونه توصیف می کند

او میانه بالابود، نه بسیار بلند
قد و نه بسیار کوتاه قد

صورتی گرد، سینه ای فراخ،
پیشانی سفید و ابروانی به هم
پیوسته داشت

بر گونه راست او خالی بود؛ چون
دانه مشک که بر قطعه عنبر
ساییده باشد.

او جوانی نورس و نورانی و سپید
پیشانی بود با ابروانی گشاده و
گونه ها و بینی کشیده

گویا پیشانی اش ستاره ای درخشان
بود و برگونه راستش، خالی بود
که مانند مشک و عنبر بر صفحه ای
نقره ای می درخشید

بر سرش، گیسوانی پرپشت و سیاه و
افشان بود که روی گوشش را
پوشانده بود. سیمایی داشت که
هیچ چشمی برازنده تر و زیباتر و
با طمأنینه تر و باحیاطر از آن
ندیده است²¹

یا ابا محمّد در عقب او بروید
ببینید به کدام طرف می رود ؟

در «کافی» روایت کرده از
حضرت امام محمّد تقی صلوات الله
علیه که فرمود : حضرت امیر
المؤمنین (علیه السلام) به مسجد
الحرام تشریف فرما شدند، و با
ایشان بودند حضرت امام حسن
(علیه السلام) در حالتیکه تکیه
فرموده بودند به سلمان (رضی الله
عنه) ، پس نشستند و در این حال
مردی با هیئت و لباس نیکو وارد
شد، پس به امیرالمؤمنین (علیه

²¹کمال الدین، ج 2، باب 43، صص 180 و 181

السلام) سلام کرد، و ایشان جواب سلام دادند، بعد سه مسئله سؤال کرد .

حضرت امام محمدتقی (علیه السلام) بعد از بیان آن مسائل و جواب آنها را از فرمایش حضرت مجتبی (علیه السلام) — بر حسب محوّل فرمودن حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیان جوابها را به ایشان — فرمود:

پس آن مرد گفت: شهادت می دهم به کلمه توحید، و همیشه شهادت به آن می دهم، و شهادت می دهم به آنکه وجود مبارك محمد (صلی الله علیه و آله) رسول الله می باشند، و همیشه شهادت به آن می دهم، و شهادت می دهم به آنکه شما — اشاره به امیرالمؤمنین (علیه السلام) کرد — وصی او هستید و قیام به حجّت او می فرمائید، و

همیشه شهادت به آن می‌دهم ، و
شهادت می‌دهم به آنکه تو
— اشاره به حضرت امام حسن (علیه
السلام) کرد — وصیّ او می‌باشی ، و
قیام به حجّت او می‌فرمائی ، و
شهادت می‌دهم به آنکه بعد از او
حسین بن علی صلوات الله علیه وصیّ
برادرش می‌باشد و قیام به حجّت او
می‌فرماید .

و شهادت می‌دهم به آنکه بعد
از ایشان علیّ بن الحسین (علیه
السلام) قیام به امر حسین (علیه
السلام) می‌نماید ، و شهادت می‌دهم
به آنکه محمّد بن علی (علیه
السلام) قائم بامر علیّ بن الحسین
(علیه السلام) می‌باشد ، و شهادت
می‌دهم برای جعفر بن محمّد (علیه
السلام) که او قائم به امر محمّد
است .

و شهادت می‌دهم برای موسی بن
جعفر (علیه السلام) که او قائم
به امر جعفر بن محمد (علیهما
السلام) است، و شهادت می‌دهم برای
علی بن موسی (علیه السلام) که او
قائم به امر موسی بن جعفر
(علیهما السلام) است، و شهادت
می‌دهم برای محمد بن علی (علیهما
السلام) که او قائم به امر علی
بن موسی (علیهما السلام) است، و
شهادت می‌دهم برای علی بن محمد
(علیه السلام) که او قائم به امر
محمد بن علی (علیهما السلام)
است، و شهادت می‌دهم برای حسن بن
علی (علیه السلام) که او قائم به
امر علی بن محمد (علیهما السلام)
است.

و شهادت می‌دهم برای مردی از
اولاد حسین صلوات الله علیه که تا
زمانی که امر او ظاهر شود؛ با
کنیه نام برده نمی‌شود، زمین را

از عدل پر نماید چنانچه از جور
پر شده باشد، و سلام و رحمت و
برکات الهی بر تو باد، یا
امیرالمؤمنین .

پس آن مرد برخاست و رفت، پس
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه
فرمود : یا ابا محمد در عقب او
بروید ببینید به کدام طرف
می رود ؟

پس امام حسن (علیه السلام)
بیرون رفتند و بعد فرمود : طولی
نکشید مگر آنکه پای خود را
بیرون مسجد گذاردم دیگر ندیدم
به کدام سو رفت، پس نزد
امیرالمؤمنین (علیه السلام)
برگشتم و ایشان را به این امر
خبر دادم .

پس آن حضرت فرمود : آیا او را
می شناسید ؟

گفتم : خدا و رسول او (صلی الله
علیه وآله) و امیرالمؤمنین (علیه
السلام) دانا ترند.

فرمود : او خضر (علیه السلام)
می باشد.²²

برکات وجود امام زمان علیه
السلام

وَ اجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهِ
مَقْبُولَةً وَ ذُنُوبَنَا بِهِ
مَغْفُورَةً ، وَ دُعَاءَنَا بِهِ
مُسْتَجَابًا وَ اجْعَلْ
أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً وَ
هُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً وَ
حَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً

خدایا به وسیله او نمازمان را
پذیرفته ، و گناهانمان را
آمرزیده و دعاهايمان را مستجاب

گردان، خدایا روزی هایمان را به
سبب او گسترده، و اندوهمان را
برطرف شده، و حاجت‌هایمان را
برآورده فرما.

بداخلاقی با خانواده مانع تشرّف
می شود

آیه الله حسن زاده آملی فرمود: من
به آقای سید محمد حسن آقای الهی
برادر بزرگتر مرحوم علامه
طباطبائی که در عرفان و سیر و
سلوک از شاگردان مرحوم سید علی
قاضی بودم‌کرر عرض می کردم: وقتی
خدمت آقا (علامه قاضی) می رسید.
از جانب من از ایشان خواهش کنید
که مرا هم در تشرّف به خدمت حضرت
بقیة الله (عج) شریک خود نمایید و
برای من نیز اجازه ملاقات بگیرید
(چون می دانستم این دو بزرگوار
به این سعادت عظیم می رسند.)

روزی در شهر آمل بعد از ظهر
خواستم استراحتی داشته باشم،
بچه ها داد و فریاد کردند و
مانع استراحتم شدند. من عصبانی
شده، با آنها تندی نمودم و
پرخاش کردم ولی بعد، از آن

حرکات خودم پشیمان شدم از این
که بچه ها را ناراحت کردم
وجدانم ناراحت بود، عصر رفتم
بازار و مقدار شیرینی و میوه
خریده به منزل آوردم که شاید
بدینوسیله دل بچه ها را به دست
آورم، با این حال وجدانم آرام
نمی گرفت آشفته خاطر بودم.

بالاخره تصمیم گرفتم سفری به شهر
تبریز کرده با مرحوم سید محمد حسن
الهی ملاقات کنم، رفتم تبریز، و
قتی به خدمت ایشان رسیدم پیش از
این که علت مسافرتم را بگویم،
گفتم: عرض مرا به خدمت استاد
(سید علی قاضی) رساندی؟

فرمود: من راجع به این موضوع
نامه ای به شما نوشتم و چون
آدرس شما را نداشتم به خدمت
آقای اخوی (سید محمد حسین
طباطبائی) فرستادم که به شما
برساند، و در آن نامه یادآور
شدم که وقتی پیام شما را به آقا
عرض کردم آقا تأملی کرده سپس با
ناراحتی فرمودند:

ایشان چگونه می خواهند این راه «
را طی نمایند با آن اخلاقی که
نسبت به عائله و کودکان انجام و
با آنها دعوا کردند، با آن اخلاق
تند چگونه می شود به این رتبه و
مقام رسید»

آری در این راه نا همواریها،
دست اندازها، پیچ و خمها و
خطرهای زیادی هست که سالک باید
هوشیارانه مواظب و مراقب خود
باشد و تمام اعضاء و جوارح خود
را همیشه کنترل نماید.²³

سه روز آب نخور!

شخصی به عالمی گفت چکار کنم خواب
امام زمان علیه السلام را
ببینم؟ ان عالم گفت فعلا برو و تا
سه روز آب نخور و غذاهای شور
بخور و ببین چه خوابی می بینی
بعد سه روز بیا پیش من. لو رفت و
بعد سه روز آمد و گفت همش خواب
می دیدم دارم آب می نوشم! عالم

داستانهایی از اخلاق اسلامی -
²³ نویسنده : علی میرخلف زاده

گفت اگر تشنه امام زمان باشی
!خوابش را هم می بینی!

دعای علامه قاضی در نیمه شب

سید محمدحسن قاضی فرزند سید علی
قاضی می‌گفت: شبی دیدم صدای
گریه آقابلند است. رفتم و دیدم
دارند این جمله
راتکرار میکنند "اللهم ارنی
الطلعه الرشیده".

سید بن طاووس، مورد احترام امام زمان (عج) بود

در کمالات سید بن طاووس آمده است
که از مقربین نزد امام عصر عجل
الله فرجه بود. امام عصر علیه السلام
عزت و احترام خاصی برای وی قایل
بود و هم چنین گفته‌اند که وی
«اسم اعظم» را می‌دانست و
«مستجاب الدعوه» بود.

شنیدن دعای امام زمان (عج) توسط
سید بن طاووس

از سید بن طاووس نقل است که
سحرگاهی، در سرداب مطهر، از

حضرت صاحب الامر(عج) این مناجات را شنیدم که می‌فرمود: «خدا یا شیعیان ما را از شعاع نور ما و طینت ما خلق کرده‌ای. آنها گناهان زیادی به اتکا بر محبت و ولایت ما کرده‌اند. اگر گناهان آنها گناهانی است که در ارتباط با توست، از آنها در گذر، که ما را راضی کرده‌ای و آن چه از گناهان آنها در ارتباط با خودشان و مردم است، خودت بین آنها را اصلاح کن و از خمسی که به حق ماست، به آنها بده تا راضی شوند و آن‌ها را از آتش جهنم نجات بده و آنها را با دشمنان ما در سخط خود جمع
»نفرما.

سید بن طاووس می‌فرمود: برای سلامتی امام زمان (عج) صدقه بدهید

یکی از اعمالی که سید بن طاووس به آن بسیار اهمیت می‌داد، صدقه برای حفظ وجود مقدس امام زمان - ارواحنا فداه - بود.

مؤمنی که صدقه می‌دهد فایده و
غرضی در نظر دارد؛ یا برای حفظ
نفس خود و یا محبوب و عزیزی که
بسیار نزد او گرامی است و چه
محبوبی بالاتر از امام زمان (عج)
که اصلاح بسیاری از امور دینی و
آخرتمان بستگی به وجود و سلامتی
آن حضرت دارد و هیچ شخصی عزیزتر
و گرامی‌تر از وجود مقدس امام
زمان (عج) نیست. لذا سید بن
طاووس، به فرزند خود سفارش
می‌فرماید که: ابتدا کن به صدقه
دادن برای آن حضرت قبل از اینکه
برای خود و عزیزانت صدقه بدهی.²⁴

چرا برای امام زمان باید صدقه داد؟؟؟

وقتی آقا بدنیا آمدند، ابلیس
فریاد بلندی به آسمان
کشید... که تا آن زمان این
!طور کسی فریاد نزده بود

همه فرماندهان ابلیس جمع
شدند و جویای علت شدند

ابلیس گفت

آخرین حجت خدا بدنیا آمد با
ظهور او مرگ ما فرا می رسد،

هر کدام از شیاطین پیشنهادی
دادند، یکی گفت در کودکی
او را بکشیم

ابلیس: اگر او را بکشیم خودمان
هم نابود میشویم (لولا الحجه
لساخت الارض باهلها)

به نتیجه نرسیدند تصمیم
گرفتند که سلامتی حضرت رابه
!خطر بیندازند

هر روز همه شیاطین انس و جن
دست به دست هم داده اند
تا سلامتی آن مهر عالم آرا
رابه خطر بیندازند

داستان مسجد جمکران

شیخ عفیف صالح حسن بن مثله
جمکرانی می گوید: من شب سه شنبه
هفدهم ماه مبارک رمضان سال ۳۹۳
در منزل خود خوابیده بودم که
ناگهان جمعیتی به درب منزل من
آمدند، نصفی از شب گذشته بود
مرا بیدار کردند و گفتند برخیز
و دعوت امام مهدی صاحب الزمان
را اجابت کن که تو را می خواند.
برخاستم و گفتم بگذارید تا
پیراهنم را بپوشم، صدا زدند که
این پیراهن تو نیست، دست بردم
که شلوار خود را بپوشم صدا زدند
که این شلوار تو نیست، آن را
انداختم و شلوار خود را پوشیدم
و در جستجوی کلید درب حیاط بودم
که صدا زدند در باز است. چون به
درب منزل آمدم جماعتی از بزرگان
را دیدم سلام کردم، جواب دادند و
خوش آمد گفتند. آن گاه مرا
آوردند به مکانی که اکنون مسجد
جمکران است. چون خوب نگاه کردم
تختی دیدم که فرش زیبا، روی آن
گسترده بود و بالش های زیبایی
روی آن بود و جوانی سی ساله بر
آن چهار بالش تکیه کرده، و پیر
مردی پیش او نشسته و کتابی در
دست گرفته و برای آن جوان می

خواند، و بیش از شصت نفر هم
اطراف او روی زمین نماز می
خواندند، که بعضی از آن ها لباس
سفید و بعضی لباس سبز داشتند، و
آن پیر مرد حضرت خضر بود. پس آن
پیر مرد مرا نشانید و امام زمان
مرا به نام خودم صدا زد و گفت:
برو به حسن مسلم بگو: تو چند
سال است که روی این زمین کشت و
زرع می کنی و ما خراب می کنیم،
دوباره امسال آمدی روی آن کشت و
زرع می کنی؛ دیگر اجازه نداری
در این زمین زراعت کنی. و باید
هر منفعتی که از این زمین بدست
آورده ای برگردانی تا با آن در
این مکان، مسجد ساخته شود. به
حسن مسلم بگو که این زمین شریفی
است و خداوند این زمین را بر
سایر زمین ها برگزیده و شریف تر
قرار داده، و تو آن را تصرف
کرده ای و به خاطر این کار
خداوند دو پسر جوانت را از تو
گرفت، ولی تو هنوز عبرت نگرفته
ای، و اگر دست از این کارت بر
نداری بلایی به سرت بیاید که از
آن خبر نداری. حسن مثله گفت: یا
سیدی و مولای! مردم همین جوری
حرف مرا قبول نمی کنند باید یک

نشان و علامت و دلیل برای اثبات
ادعای خود داشته باشم. امام
فرمود: ما در این جا نشان و
علامتی قرار می دهیم، تو برو و
مأموریتت را انجام بده. به نزد
سید ابوالحسن برو و بگو بیاید و
آن مرد را حاضر کند و منافع چند
ساله که از این زمین برداشت
کرده است را از او بگیرد و بدهد
تا مسجد را بسازند، و بقیه
مخارج مسجد را از «رهق» در
منطقه «اردهال» که ملک ما است
بیاورد و مسجد را تمام کند، و
ما نصف «رهق» را وقف کردیم برای
این مسجد تا هر ساله در آمد آن
را خرج تعمیر این مسجد کنند. به
مردم بگو تا به این مسجد رو
کنند و آن را عزیز بدانند و
چهار رکعت نماز در آن بخوانند.
دو رکعت نماز تحیت مسجد، در هر
رکعتی یک حمد و هفت بار «قل هو الله
» بخوانند و تسبیح رکوع و سجود
را نیز هفت بار بگویند. و دو
رکعت نماز «صاحب الزمان» به این
روش که چون سوره حمد به «ایاک
تَعْبُدُ وَ اَیَاکَ نَسْتَعِیْنُ» رسید آن را
صد بار تکرار کنند، آن گاه حمد
را تمام کنند. تسبیح رکوع و

سجود را هفت بار تکرار کنند،
رکعت دوم را هم مثل رکعت اول
بخوانند. چون نماز به پایان رسد
تهلیل بگویند و تسبیح حضرت
فاطمه زهرا بگویند، و در سجده
صد صلوات بفرستند. و این نقل از
لفظ امام است که فرمود: «فمن
صليهما (صليها) فکانما صلی فی
البيت العتيق»؛ یعنی هر که این
دو رکعت نماز را [در این مکان]
بجا آورد مانند آن است که در
خانه کعبه نماز خوانده باشد. پس
آن جوان [امام زمان] به من
اشاره کرد که برو. چون مقداری
راه آمدم مجدداً مرا صدا زده و
فرمودند: بزی در گله جعفر چوپان
کاشانی است، باید آن بز را
بخری. اگر مردم ده [جمکران]
قیمت بز را دادند آن را بخر، و
اگر ندادند از پول خودت بخر، و
فردا شب در این مکان آن بز را
بکش [ذبح کن]، و روز 18 ماه
رمضان گوشت آن را بین بیماران و
هر کس که عیب و علت سختی دارد
انفاق کن، که خداوند متعال همه
را شفا دهد (آن بز ابلق است و
موهای بسیار دارد و هفت علامت
دارد، مانند درهم سه علامت در یک

طرف، و چهار علامت در سمت دیگر).
چون به راه افتادم دو باره مرا
باز گرداند و گفت: ما یا هفتاد
روز این جا هستیم یا هفت روز،
اگر هفت روز بمانیم می شود شب
قدر که بیست و سوم است؛ و اگر
هفتاد روز بمانیم می شود بیست و
پنج ذیقعه الحرام که روز با
عظمتی است. حسن مثله گفت به
خانه آمدم و تا صبح درباره این
اتفاف فکر می کردم. نماز صبح را
خواندم و به نزد علی منذر آمدم
و داستان شب گذشته را به او
گفتم. او با من آمد رفتیم در
همان مکانی که شب گذشته مرا
برده بودند، و در آن جا
زنجیرهایی را دیدیم که طبق
فرموده امام علیه السلام حدود
بنای مسجد را نشان می داد. سپس
به قم نزد سید ابوالحسن رضا
رفتیم و چون به در خانه او
رسیدیم، خادم او گفت: آیا تو از
جمکران هستی؟ به او گفتم: بلی!
خادم گفت: سید از سحر در انتظار
تو است. آنگاه به درون خانه
رفتیم و سید مرا گرامی داشت و
گفت: ای حسن بن مثله من در خواب
بودم که شخصی به من گفت: حسن

مثله از جمکران نزد تو می آید،
هر چه او گوید تصدیق کن و به
قول او اعتماد نما، که سخن او
سخن ماست و قول او را رد نکن.
از هنگام بیدار شدن تا این ساعت
منتظر تو بودم، آنگاه من ماجرای
شب گذشته را برای وی تعریف
کردم، سید بلافاصله فرمود تا اسب
ها را زین نهادند و بیرون
آوردند و سوار شدیم، چون به
نزدیک روستای جمکران رسیدیم،
گله جعفر کاشان را دیدیم، آن بز
از عقب همه گوسفندان می آمد،
چون به میان گله رفتم، همین که
بز مرا دید به طرف من دوید،
جعفر سوگند یاد کرد که این بز
در گله من نبوده و تاکنون آن را
ندیده بودم. به هر حال آن بز را
به محل مسجد آورده و آن را ذبح
کرده و هر بیماری که گوشت آن
تناول کرد، با عنایت خداوند
تبارک و تعالی و حضرت بقیه الله
(ارواحنا فداه) شفا یافت. ابو
الحسن رضا، حسن مسلم را احضار
کرده و منافع زمین را از او
گرفت و مسجد جمکران را بنا کرد،
و آن را با چوب پوشانید. سپس
زنجیرها و میخ ها را با خود به

قم برد و در خانه خود گذاشت. هر بیمار و دردمندی که خود را به آن زنجیرها می مالید، خدای تعالی او را شفای عاجل عنایت می فرمود، پس از فوت سید ابوالحسن، آن زنجیرها ناپدید شد و دیگر کسی آن ها را ندید.²⁵

شهدا و امام زمان علیه السلام

شهید حمیدرضا استاد آقانظری «خطاب به امام عصر علیه السلام چنین نوشته است: «آقا جان دوست دارم گوشه ای بنشینم، شما هم مقابل من بنشینید، متوجه تان شوم (گاهی آدم به جایی نگاه می کند ولی متوجه جلوی خود نیست شاید به همین دلیل شهید گفته متوجه تان می شدم) آنقدر نگاهتان می کردم و آنقدر گریه می کردم تا از هوش بروم؛ وقتی به هوش آمدم، ببینم سرم روی «دامن شماست

شهید حمیدرضا استاد آقانظری»
خطاب به امام عصر علیه السلام
چنین نوشته است: «آقا جان دوست
دارم گوشه ای بنشینم، شما هم
مقابل من بنشینید، متوجه تان
شوم (گاهی آدم به جایی نگاه می
کند ولی متوجه جلوی خود نیست
شاید به همین دلیل شهید گفته
متوجه تان می شدم) آنقدر
نگاهتان می کردم و آنقدر گریه
می کردم تا از هوش بروم؛ وقتی
به هوش آمدم، ببینم سرم روی
»دامن شماست

بچه هایی که حدس می زدیم در
عملیات به شهادت می رسند، معمولاً
یک گوشه دنجی پیدا و خلوت می
کردند. بعدها معلوم می شد که
همان چاله کوچک، همان مثلاً قبر
کوچکی که با دست درست کرده
بودند، یا یک گوشه خاص در یک
شیار باریک، عبادتگاه بچه ها
بوده است. یا وقتی رزمنده ای
دوستش به شهادت می رسید، می رفت
یک جای خاص می نشست و گریه می
کرد؛ وقتی بچه ها دلیل این کار
را می پرسیدند، می گفت: فلانی
همین جا با امام زمان (عج) عهد

بست و امضای شهادتش را گرفت و رفت. این ارتباط ها معمولا به شکل سرّ و مکتوم باقی می ماند و جایی درز نمی کرد. شاید گاهی بعد از شهادت بچه ها عنوان می شد.²⁶

سواد ندارم ، برام زیارتنامه بخوان

پیرمردی تو حرم امام رضا به جوان جلیل القدری گفت : سواد ندارم ، برام زیارتنامه بخوان

جوان شروع کرد به خواندن زیارتنامه

.السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ

سلام داد به معصومین تا امام
.عسکریعلیه السلام

جوان پرسید : امام زمانت را
میشناسی؟

پیرمرد جواب داد : چرا نشناسم؟

جوان گفت : پس سلام کن

پیرمرد دستش را روی سینه اش
گذاشت و گفت

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ
العسکری

جوان نگاهی به پیرمرد کرد و
لبخند زد و گفت:

و علیک السلام و رحمة الله و
«برکاته»

ثروتمند ترین فرد عالم بودم

مرحوم آیت الله العظمی آقای بهجت
نقل می‌فرمودند در نجف مدرّسی بود
آقا سید حسن مدرّس غیر از مرحوم
مدرّس مشهور شهید مدرّس از مدرّسین
نجف کسی بوده است، گرفتار فقر
بوده است، ۴۰ روز به امام زمان
نامه می‌نویسد در چهلمین روز در
یک خلوتی صدای نازنینی گوش او
نوازش می‌دهد که ما از حال شما

بی‌خبر نیستیم دقت می‌کند بار
 دیگر می‌شوند، ما از حال شما
 بی‌خبر نیستیم می‌گویند به من مال
 ندادند، من ۴۰ روز بود درد فقر
 داشتم، درد پریشانی داشتم به
 آقای خود نامه می‌نوشتند،
 استغاثه می‌کردم آقا به داد من
 برس زمانی که این صدا را شنیدم
 تمام وجودم آروم گرفت دیگه نیاز
 به هیچ چیز نداشتم تو اون لحظه
 ثروتمند ترین فرد عالم بودم.^{۲۷}

.

آیه الله قاضی (ره)

آقا سید هاشم حذاد فرموده
 اند: «حضرت آقا [آیه الله
 قاضی] خیلی در گفتارشان و
 در قیام و قعودشان و به طور
 کلی در مواقع تغیر از
 حالتی به حالت دیگر خصوص
 کلمه «یا صاحب الزمان» را
 بر زبان جاری می‌کردند. يك
 روز يك نفر از ایشان پرسید:

آیا شما خدمت حضرت ولی عصر
ارواحنا فداه مشرف شده اید؟

فرمودند: کور است هر چشمی
که صبح از خواب بیدار شود
و در اولین نظر نگاهش به
امام زمان (عج) نیفتد.²⁸

ای محمد! حضرت قائم از
شماست

در «کافی» روایت شده است
که: روزی رسول اکرم علیه
السلام مسرور و شادمان از
خانه بیرون رفت. پس سبب آن
را جویا شدند

حضرت فرمود: «هیچ روز و شبی
نیست مگر اینکه تحفه ای از
جانب خدا برای من می رسد.
آگاه باشید که خداوند امروز
به من تحفه ای داده که هرگز
به گذشتگان نداده است

جبرئیل نزد من آمد و طرف
پروردگارم سلام رساند و گفت:
ای محمد! حضرت قائم از
شماست و هر گاه خدای او را
آشکار کند، حضرت عیسی پشت
سر او نماز می خواند

آیت الله مظاهری ضمن درس اخلاق
خود حکایتی نقل کردند با
این مضمون:

یکی از علمای بزرگ، در زمان
قدیم در تخت فولاد خدمت امام
زمان «ارواحنافداه» رسیده
بود و از آن حضرت درخواست
«علم اکسیر» کرده بود. در
حالی که یاد گرفتن علوم
غریبه حرام است و گفت و
شنود و تعلیم و تعلّمش نیز
حرام است.

آن حضرت به او فرموده بودند

علوم غریبه به تو چه ربطی
دارد؟ من به جای آن ختمی به

تو یاد می‌دهم که بهتر از
اکسیر است.

بعد فرموده بودند: به پنج
تن و امام زمان توسّل پیدا
کن و در توسل‌هایت بگو

یا محمد یا علی یا فاطمه یا
حسن یا حسین، یا صاحب
الزمان ادرکنی و لا تهلکنی

آن عالم نقل می‌کند: وقتی
حضرت فرمودند: «ادرکنی»، به
ذهنم خطور کرد که باید
بفرمایند: «ادرکونی»، یعنی
برای درخواست کمک از پنج
نور مقدّس، باید فعل جمع به
کار ببریم، پس چرا ایشان
فعل مفرد به کار برده و
می‌فرمایند: «ادرکنی و
لا تهلکنی»؟

وقتی چنین تصوّری کردم، امام
زمان «ارواحنا فداه» تبسم
کردند و فرمودند

همین است که گفتم. برای
اینکه واسطه فیض این عالم،
فعلاً من هستم²⁹

یعنی اگر در زمان حاضر
توسّلی به پیغمبر اکرم صلی
الله علیه و آله و سلّم یا سایر
حضرات معصومین سلام الله علیهم
بشود، فیض الهی به واسطه
وجود مقدّس امام زمان
«ارواحنا فداه» به بندگان
.. می‌رسد

یکی از راههای تشریف

شیخ رجبعلی خیاط گفته است:

چهل شب هر شب صد مرتبه آیه
 کریمه وَقُلْ رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ
 صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ
 لِّيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا³⁰
 وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبٰطِلُ
 اِنَّ الْبٰطِلَ كَانَ زَهُوقًا³¹ را
 بخواند، ان شاء الله توفیق
 دیدار حاصل می گردد. ولی
 برای درک شناخت حضرت در
 زمان دیدن ایشان، انجام
 واجبات و ترک محرمات الزامی
 است

چرا بشریت از زیارت روی
 امام زمان علیه السلام محروم
 شد؟

خداوند برای اینکه مردم بعد
 از نبی مکرم اسلام، بدون ولی
 و سرپرست نمانند
 ، امیرالمومنین را نماینده
 خود و سرپرست بشریت قرار
 داد ولی بشر نادان ان حضرت

³⁰اسراء80

³¹اسراء81

را بشهادت رساند. خداوند حلم
ورزید و امام حسن را سرپرست
مردم قرار داد ولی باز بشر
نادان ان امام مظلوم را هم
بشهادت رساند. خداوند برای
بار سوم امام حسین را
سرپرست و رهبر بشریت قرار
داد ولی این دفعه بشر نادان
ان امام را به طرز بسیار
فجیعی بشهادت

رساندند. خداوند برای بار
چهارم و پنجم تا بار یازدهم
باز امامانی را رهبر بشریت
قرار داد و هر دفعه این بشر
نادان ان امامان را بشهادت
می رساندند تا اینکه حضرت
مهدی علیه السلام به عنوان
رهبر بشریت تعیین شد و چون
بشر نادان خواست که این
امام را هم بشهادت برساند
خداوند بر بشریت غضب فرمود
و به عنوان تنبیه و مجازات
بشریت، مردم را از برکات
دیدن ان امام محروم کرد و

جز افراد قلیل و نادری،
همه بشریت محروم شدند و
1180 سال بیشتر است که بشریت
از این محرومیت رنج می برد!

لَيْتَ شِعْرِي أَإِنِّ اسْتَقَرْتُ بِكَ النَّوَى
بَلْ أَيْ أَرْضِ ثَقِيلُكَ أَوْ ثَرَى أَرْضِ
أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذِي طَوَى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ
أَرَى الْخَلْقَ وَ لَا تُرَى وَ لَا أَسْمَعُ
[أَسْمَعُ] لَكَ حَسِيسَا وَ لَا نَجْوَى³²

ای کاش می دانستم خانه ات در
کجا قرار گرفته، بلکه می دانستم
کدام زمین تو را برداشته، یا چه
خاکی؟ آیا در کوه رضوایی یا در
غیر آن، یا در زمین ذی طوایی؟
بر من سخت است که مردم را می
بینم، ولی تو دیده نمی شوی، و
از تو نمی شنوم صدای محسوسی و
نه رازونیا زی.

داستان جزیره خضراء از بحار
الانوار علامه مجلسی

علامه مجلسی در بحارالانوار در
بابی با عنوان «نادر فی ذکر من

³²فرازی از دعای ندبه

رَأْهَعْلِيَه السَّلَام فِي الْغَيْبَةِ
الْكُبْرَى قَرِيباً مِنْ زَمَانِنَا» - فقط
به خاطر این که مشتمل بر دیدار
با آن حضرت و نیز رخدادهای عجیب
و غریب است - به نقل آن
پرداخته، مینویسد: رساله‌های
یافتم مشهور به داستان جزیره
خضراء... و چون آن را در
کتابهای روایی معتبری ندیدم، آن
را در فصل جداگانه ای آوردم

چکیده رساله‌ای که ایشان یافته
چنین است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
... نوشته‌ای یافتم به خط شیخ
فاضل عالم عامل «فضل بن یحیی‌بن
علی طیبی کوفی» که متن آن چنین
است

من در سال 699 قمری در کربلا از
دو نفر، داستانی شنیدم. آنها
داستان را، از «زین الدین علی
بن فاضل مازندرانی»، نقل
میکردند. داستان مربوط به جزیره
خضراء در دریای سفید بود. مشتاق
شدم داستان را از خود علی بن
فاضل بشنوم. به همین دلیل به
شهر حله رفتم و در خانه سید

فخرالدین، با علی بن فاضل ملاقات
کردم و اصل داستان را پرسیدم

او، داستان را در حضور عده‌ای از
دانشمندان حله و نواحی آن چنین
بازگو کرد:

سالها در دمشق نزد شیخ
عبدالرحیم حنفی و شیخ زین الدین
علی مغربی اندلسی دانش آموختم.
روزی شیخ مغربی عزم سفر به مصر
کرد. من و عده‌ای از شاگردان با
او همراه شدیم. به قاهره
رسیدیم. استاد مدتی در الازهر به
تدریس پرداخت، تا اینکه نامهای
از اندلس آمد که خبر از بیماری
پدر استاد میداد. استاد عزم
اندلس کرد. من و برخی از
شاگردان با او همراه شدیم. به
نخستین روستای اندلس که رسیدیم،
من بیمار شدم. به ناچار، استاد
مرا به خطیب آن قریه سپرد و خود
به سفر ادامه داد

سه روز بیمار بودم، پس از آن،
روزی در اطراف ده قدم می‌زدم که
کاروانی از طرف کوههای ساحل
دریای غربی وارد شدند. پرسیدم:

از کجا می‌آیند؟ گفتند: از دهی
از سرزمین بربرها می‌آیند که
نزدیک جزایر رافضیان (شیعیان)
است.

هنگامی که نام جزیره رافضیان را
شنیدم، مشتاق زیارت آنان شدم.
تا محل آنان، بیست و پنج روز
راه بود که دو روز بی‌آب و آبادی
و بقیه آباد بودند، حرکت کردم و
به سرزمین آباد رسیدم. به
جزیره‌ای رسیدم با دیوارهای بلند
و برجهای مستحکم که بر ساحل
دریا قرار داشت. مردم آن جزیره،
شیعه بودند و اذان و نماز آنها
بر هیأت شیعیان بود.

آنان از من پذیرایی کردند.
پرسیدم: غذای شما از کجا تأمین
میشود؟ گفتند: از جزیره خضرا در
دریای سفید که جزایر فرزندان
امام زمان (عج) است که سالی دو
مرتبه، برای ما غذا می‌آورند.

چهل روز منتظر ماندم تا
کاروان کشتیها از جزیره

خضرا رسید. فرمانده آن،
پیرمردی بود که مرا میشناخت
و اسم من و پدرم را نیز
میدانست. او مرا با خود به
جزیره خضرا برد

شانزده روز که گذشت، آب
سفیدی در اطراف کشتی دیدم و
علت آن را پرسیدم. شیخ گفت:
این دریای سفید است و آن
جزیره خضرا. این آبهای
سفید، اطراف جزیره را گرفته
است و هرگاه کشتی دشمنان ما
وارد آن شود، غرق میگردد.
وارد جزیره شدیم. شهر دارای
قلعهها و برجهای زیاد و هفت
حصار بود. خانههای آن از
سنگ مرمر شفاف بود

در مسجد جزیره با سید شمس
الدین محمد که عالم آن جزیره
بود، ملاقات کردم. او مرا در

مسجد جای داد. آنان نماز
جمعه میخواندند. از سیّد شمس
الدین پرسیدم: آیا امام
حاضر است؟ گفت: نه، ولی من
نایب خاصّ او هستم. به او
گفتم: امام را دیدهای؟ گفت:
نه، ولی پدرم، صدای او را
شنیده و جدم، او را دیده
است.

سیّد مرا به اطراف برد. در
آنجا کوهی مرتفع بود که
قُبَّهای در آن وجود داشت و دو
خادم در آنجا بودند. سیّد
گفت: من هر صبح جمعه آنجا
میروم و امام زمان را زیارت
میکم و در آنجا ورقهای
میابم که مسایل مورد نیاز
در آن نوشته شده است.

من نیز به آن کوه رفتم و
خادمان قبه از من پذیرایی

کردند ... در مورد دیدن
امام زمان (عج) از آنان
پرسیدم، گفتند: غیر ممکن
است.

دربارة سیّد شمس الدین از
شیخ مُجَدِّد (که با او به خضرا
آمدم) پرسیدم. گفت: او از
فرزندانِ فرزندانِ امام است و
بین او و امام، پنج واسطه
است.

با سیّد شمس الدین، گفت و گوی
بسیار کردم و قرآن را نزد
او خواندم. از او درباره
ارتباط آیات و اینکه برخی
آیات، با پیش بی ارتباط
هستند، پرسیدم.

پاسخ داد: مسلمانان پس
از رسول خدا و به دستور
خلفاء، قرآن را جمعآوری
کردند. از همین رو، آیاتی

که در قدح و مذمت خلفا بود،
از آن ساقط کردند. از همین
جهت، آیات را نامربوط
می‌بینی، ولی قرآن علی علیه
السلام که نزد صاحب
الامر (عج) است، از هر نقصی
مبرا است و همه چیز در آن
آمده است.

در جمعة دومی که در آن جا
بودم، پس از نماز، سر و
صدای فراوانی از بیرون مسجد
شنیده شد. پرسیدم: این
صداها چیست؟ سید پاسخ داد:
فرماندهان ارتش ما هر دو
جمعة میانی ماه سوار میشوند
و منتظر فرج هستند. پس از
اینکه آنان را در بیرون
مسجد دیدم، سید گفت: آیا
آنان را شمارش کردی؟ گفتم:
نه. گفت: آنان سیصد نفرند و
سیزده نفر باقی مانده‌اند.

از سیّد پرسیدم: علمای ما
احادیثی نقل میکنند که

هر کس پس از غیبت ادعا کند مرا
دیده است، دروغ میگوید. حال
چگونه است که برخی از شما، او
را میبینید؟

سیّد گفت: درست میگویید، ولی این
حدیث مربوط به زمانی است که
دشمنان آن حضرت و فرعونهای بنی
العباس فراوان بودند، امّا اکنون
که این چنین نیست و سرزمین ما
از آنان دور است، دیدار آن حضرت
ممکن است.

سیّد شمس الدین ادعا کرد که: تو
نیز امام زمان (عج) را دو مرتبه
دیدهای، ولی نشناختهای. همچنین
گفت که آن حضرت، خمس را بر
شیعیان خود مباح کرده است.

سپس جناب سیّد شمس الدین به من
دستور دادند که در بازگشت درنگ
نکنم و در سرزمینهای مغرب توقف
نکنم. پس از آن با همان کشتی که
آمده بودم بازگشتم.

رفتن ایه الله سید محمد باقر شفتی به
جزیره خضراء

دیدار حجة الاسلام رشتی از جزیره خضراء

مرحوم علامه «نهاوندی» می نویسد:
مرحوم «حاج سید احمد» برای من
نوشته که: از ارث مرحوم والد،
کتاب «تحفة الابرار» را که رساله
عملیه سیدالعلماء حجة الاسلام «حاج
سید محمد باقر شفتی رشتی» بود،
خریدم و او اوّل کسی بود که به
حجة الاسلام مشهور شد و آن رساله
به خطّ سید و بسیار خوش خطّ بود.
سفارشات زیادی بر پشت کتاب برای
مطالعه کننده نوشته بود از جمله
اینکه:

در تمام اوقات اقبال و توجه «
کامل به حضرت ولیّ عصر (عجل الله
تعالی فرجه) داشته باشید، که آن
جناب، پدر شفیق خلق است و مبادا
از یاد آن حضرت غفلت نمایید و
توجه به غیر پیدا کنید.
من از آن حضرت می خواستم که
«بحرابیض» و «جزیره خضراء» را
مشاهده کنم و بلادی را که اولاد آن
حضرت در آن حکومت دارند ببینم.

خدا را به حقّ امام زمان - علیه
السلام - قسم دادم که صحتّ این
امر را بر من ظاهر سازد.
شب عید غدیری که مصادف با شب
جمعه بود، ثلث آخر شب، کنار
باغچه ای که در خانه ما، در
«بیدآباد اصفهان» بود، قدم می
زدیم. ناگاه سیّد بزرگواری را
دیدم که به سیمای علما بود و به
تمام ما فی الضمیر من آگاهی و
خبر داد و گفتند: «امصار و بلادی
که در جزیره خضراء است، صحیح
است.» سپس فرمودند: «آیا می
خواهی به چشم خود ببینی تا
عبرتی برای تو و سایر اولی
«الأبصار باشد؟
گفتم: «آری آقای من! منّت بر من
می گذاری
گفت: «چشمت را ببند و هفت مرتبه
صلوات بر جدّت محمّد و آل او
بفرست
هر چه فرمود انجام دادم. پس
فرمود: «چشمت را باز کن
نگاه کردم از آیات الهیّه، شهر و
بلدی را دیدم که خانه های آن از
هم دور بود و طرف راست و چپ آن
از درختها و گلها سبز و خرم بود

كَأَنَّهَا جَنَاتٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا «
الْأَنْهَارُ»

پس گفت: «نظر کن به آخر آن
درختها.» نگاه کردم. گفت: «برو
آنجا، مسجدی و امام جماعتی را
می بینی؛ نماز را با او بخوان و
عقب او صفوفی هست که نهایت
ندارد. او از طبقه هفتم اولاد
حضرت صاحب الامر - علیه السلام -
» و نامش «عبدالرحمن» است

رفتم و متوجه شدم زمین زیر پای
من طیّ می شود تا رسیدم به آن
مسجد. امام جماعت را در محراب
ایستاده دیدم، صورتش مانند ماه
می درخشید و نور از سیمایش بالا
می رفت. هر دو نگاهی به یکدیگر
کردیم، فرمود: «مَرْحَباً بِكَ.»

همانا خدا به تو مَثّت نهاده است
از مسائلی که مشکل بود از آن
آقا پرسیدم و جواب فرمودند.

خیلی مهربانی کرده و از مافی
الضّمیر من خبر دادند. من نماز
فجر را با آقا خواندم و به او
اقتدا کردم، مشغول به تعقیباتی
که داشتم شدم، تا نزدیک طلوع
آفتاب شد. در ذهنم آمد که در
این وقت با مردم نماز می خواندم
و الآن آنها بر عادت همه روز

منتظرند و با خود می گفتم:
 «امروز گذشت و نمی رسم.» ناگاه
 شنیدم که آن سید امام جماعت
 فرمود که: «نگران مباش که بزودی
 تو را به جای خود می رسانیم و
 با آنها نماز می خوانی
 همان سیدی که اوّل نزد من آمده
 بود، دست مرا گرفت و گفت:
 «برویم.» به برکت امام زمان خود
 - عجل الله تعالی فرجه - ناگاه
 خود را در مسجد خودم یافتم و با
 جماعت نماز خواندم و آن سید را
 دیگر ندیدم.³³

اشک در فراق حضرت صاحب الزمان علیه السلام

بهترین راه ابراز محبت به امام
 زمان علیه السلام، ریختن اشک در
 فراق ان محبوب الهی و باقی
 مانده از عترت طاهره می باشد اگر
 می دانستیم چه اتفاقی برای
 بشریت افتاده است که خداوند ما
 را از دیدن روی مبارک حجتش
 محروم نموده است، شبانه روز گریه

³³. عبقری الحسان»، ج 1، ص 127

می کردیم همان گونه که حضرت
یعقوب علیه السلام در فراق یوسفش
سالیان سال گریه کرد تا عاقبت
نابینا شد... ولی متأسفانه آن
چنان در غفلت هستیم که گویا
هیچ اتفاقی نیافتاده است و
زندگی عادی خود را می کنیم. اما
امام صادق علیه السلام چون می
داند با فرا رسیدن غیبت کبری
قرار است چه بلایی بر سر بشر
بیاید این چنین ناله می کند

ناله امام صادق (ع) در فراق
امام مهدی علیه السلام

روایت شده از سدید صیرفی که
گفتم : من و مفضل بن عمر و
ابوبصیر و ابان بن تغلب به خدمت
مولای خود امام جعفر صادق علیه
السلام داخل شدیم و آن حضرت را
دیدیم که بر روی خاک نشسته بود
و مسح خبیری را در بر داشت که
آستینهایش کوتاه بود و از شدت
اندوه واله بود و مانند زنی که
فرزند عزیزش مرده بود گریه می
کرد مانند جگر سوخته آثار حزن و
محنت در روی حق جویش ظاهر و
هویدا بود و اشک از دیده های حق

بینش جاری بود و می گفت : ای
سید من ! غیبت تو خواب مرا برده
است و استراحت مرا زایل
گردانیده و سرور از دل من
ربوده است ، ای سید من ! غیبت
تو مصیبت مرا دایم گردانیده و
محن و نوایب را بر من پیایی
گردانید و آب دیده مرا جاری کرد
و ناله و فغان و حزن را از سینه
من بیرون آورد و بلاها را بر من
متصل گردانید. سدید گفت : چون
حضرت را با آن حالت مشاهده
کردیم عقلهای ما پرواز کرد و
واله و حیران شدیم و دلهای ما
از آن جزع نزدیک بود که پاره
گردد و گمان کردیم که آن حضرت
را زهر دادند یا آنکه بلیه
عظیمی از بلاهای دهر بر او حادث
شده است . پس عرض کردم که ای
بهترین خلق ، خدا هرگز چشم تو
را گریان نگرداند، چه حادثه
ای تو را گریان گردانیده است و
چه حالت روی داده است که چنین
ماتمی گرفتی ؟ پس حضرت از شدت
غصه و گریه و آه سوزناک از دل
غمناک برکشید و فرمود که من در
صبح این روز نظر در کتاب جفر
نمودم و آن کتابی است مشتمل بر

علم منایا و بلایا و در آنجا
 مذکور است بلاهایی که بر ما می
 رسد و در آنجا علم گذشته و
 آینده هست تا روز قیامت و خدا
 آن علم را مخصوص محمد صلی الله
 علیه و آله و سلم و ائمه علیهم
 السلام بعد از او گردانیده است
 ، نگاه کردم در آنجا ولادت حضرت
 صاحب الامر علیه السلام و غیبت
 آن حضرت و طول غیبت و درازی عمر
 او را و ابتلای مؤمنان را در
 زمان غیبت و بسیار شدن شك و
 شبهه در دل مردم از جهت طول
 غیبت او و مرتد شدن اکثر مردم
 در دین خود و بیرون کردن ریسمان
 اسلام را از گردن خود که حق
 تعالی در گردن بندگان قرار داده
 است ، پس رقت مرا دست داده است
 و حزن بر من غالب شده است .³⁴
 الخبر.

جان به لب آمد

جان به لب آمد ز هجران تو یابن
 العسکری دست ما باشد به دامن
 تو یابن العسکری

³⁴ نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبه، ص 245

تا به کی پنهان بود از دیده
گریان ما چهره چون ماه تابان
تو یابن العسکری

کی دمد صبح و صالت از برای
دوستان کی شود طی شام هجران
تو یابن العسکری

تا کی و تا چند باشند ای پناه
بی کسان عاشقانت مات و حیران
تو یابن العسکری

تا به کی باشیم از هجر تو ای
صبح امید همچو بلبل ما
نواخان تو یابن العسکری

تا به کی از آتش عشقت سوزد جان
ودل تا به کی ما سینه سوزان
تو یابن العسکری

نامه امام زمان علیه السلام به
ایه الله سیّد ابوالحسن اصفهانی

آیه الله سیّد ابوالحسن اصفهانی از
مراجع بزرگ و وارسته ای است که

هم به محضر مبارک امام عصر علیه السلام نائل آمده و هم به افتخار دریافت نامه و توقیع از سوی آن حضرت، مفتخر شده است.

شیخ محمود حلبی می گوید: «من در عصر آن بزرگوار از کسانی بودم که گاه اشکال و ایراد به سبک معظم له در رهبری معنوی و مذهبی جهان تشیع داشتم و این ایراد تا هنگام تشرف به عتبات عالیات و دیدار خصوصی با آن مرحوم ادامه داشت.

به همین جهت هم، آنجا وقتی به محضرش رفتم اشکالات خود و دیگران را گفتم و آن بزرگوار با کمال سعه صدر و گشادگی چهره، جواب همه اشکال و ایرادهای مرا داد و سر انجام فرمود: «من دستور دارم که اینگونه عمل کنم

گفتم: «از کجا و چه کسی دستور دارید؟»

فرمود: «از چه کسی می خواهید دستور داشته باشم؟»

گفتم: «یعنی از امام عصر علیه السلام

فرمود: «آری.» و برخاست درب صندوق خود را گشود و پاکتی را از آنجا برگرفت و به دست داد

من به مجرد این که پاکت را گرفتم مضطرب و منقلب شدم با حالتی وصف ناپذیر کاغذ را از پاکت در آوردم و آن را خواندم که از جمله این عبارت در آن نوشته شده بود:

بسم الله الرحمن الرحيم

یا سید ابوالحسن ارحص نفسک و اجلس فی دهلیز بیتک و لا ترخ سترک (و اعن اواغث شیعتنا و موالینا) نحن ننصرک انشاء الله.
»المهدی

یعنی: بنام خداوند بخشاینده مهربان. ای سید ابو الحسن! خود را ارزان کن و در اختیار همگان قرار بده و در بیرونی منزلت بنشین و درب را به روی کسی نبند و پرده بین خود و مردم قرار مده

و بداد و کمک پیروان و دوستان
ما برس که ما ترا یاری می کنیم
انشاء الله

پرسیدم: «این توقیع شریف را به
وسیله چه کسی دریافت داشته
اید؟»

فرمود: «به وسیله مردی عابد و
پارسا و با تقوا به نام شیخ
محمد کوفی که از هر جهت مورد
«وثوق و اطمینان است

اجازه گرفتم تا از آن نسخه ای
بردارم مشروط بر اینکه تا سیّد
«در قید حیات است ابراز نکنم

تشریف در بازار قم

دانشمند محترم حاج شیخ وحید
محبی اصل این داستان را
نوشته و بنابر وصیت و سفارش
آیت الله العظمی گلپایگانی در
رویا، آن را در اختیار
نویسنده کتاب شیفتگان حضرت
مهدی عج قرار داده است

سالها بود که در فراق حضرت
مهدی عج میسوختم و چشم به
عنایت آن دوخته بودم تا
شاید نظر لطفی کند و مرا به
دیدار رویش مفتخر سازد

یکی از علما که از اولیاء
خداست ذکری به من تعلیم
نمود و فرمود: به مدت چهل
روز با مراقبت کامل به این
ذکر مداومت داشته باش که ان
شا الله به نتیجه خواهی رسید

طبق دستور او عمل نمودم تا
اینکه سی و چند روز گذشت
.پدرم از شهرستان به قم آمد
و فرمود: لازم است جهت خرید
لوازم ازدواج برادرت به
بازار برویم. من ناراحت
بودم که چه کنم؟

از یک طرف نمیخواستم بیرون
بروم و از طرفی نمیخواستم
کسی را خبر دهم که من مشغول
ذکری هستم. به هر حال بخاطر

اطاعت امر پدر من، او و
خانواده به بازار رفتیم.
لکن من توجهی به بازار و
خرید نداشتم و به یاد مولا و
آقایم بودم و مواظب بودم
مبادا این بیرون آمدن موجب
شود من از هدفم دور
شوم. داخل مغازه شدیم آنها
مشغول دیدن اجناس و در حال
خرید بودند ناگاه متوجه شدم
که شخصی به من میگوید:
بیرون را نگاه کن تا بیرون
مغازه را نگاه کردم، متوجه
آقایی شدم، سید بزرگوار خوش
سیمایی چهار شانه که تقریباً
40 ساله به نظر میرسید. او
چند قدمی ما، بیرون مغازه
ایستاده بود و به من نظر
داشت عمامه ای سیاه به سر
داشت و متبسم بود. به فکر
افتادم که: نکند ایشان امام
زمان عج باشند، و با خود
گفتم: اگر ایشان آقا امام
زمان عج باشند حتماً حال

مخصوص را در گونه ی راست
دارند و ای کاش میتوانستم
تمام صورت را ببینم

که ناگاه حضرت روی مبارک را
به سوی من کرد و چشمم به
خال صورتشان افتاد و بی
اختیار گفتم اللهم کن لولیک
الحجه بن الحسن...! سلام
کردم و گفتم: السلام علیک یا
حجه بن الحسن روحی لک
الفداء دیدم لبهای حضرت
حرکت کرد و جواب سلام مرا
دادند.

در این لحظه همسرم متوجه من
شد و بیرون مغازه را نگاه
کرد و پرسید: این آقا کیست؟
ولی من در حالتی نبودم که
بتوانم جوابش را بدهم ناگاه
حضرت قدمی برداشت و دیگر
آقا را ندیدم

بیرون آمدم اما از آقا خبری
نبود به همسرم گفتم: شما هم
آقا را زیارت کردی؟

گفت: آری³⁵

آنان که خاک را به نظر
کیمیاکنند! آیا بُود که گوشه
چشمی به ما کنند؟

نجات یک عالم توسط یکی از
اصحاب امام عصر (ارواحنا
فداه)

استاد بزرگوار آیت ال
عَـلَـه العَـظَـمَی حاج شیخ مُحَمَّد
علی اراکی، از مرحوم آیت ال
عَـلَـه نورالدین اراکی، نقل
کردند: صاحب جواهر به کسی
اجازه اجتهاد نمی داد. یکی
از اهل علم، وقتی که قصد
می کند که به وطن بازگردد

³⁵روزنه هایی از عالم غیب

از ایشان می‌خواهد که به او
اجازه اجتهاد بدهد. صاحب
جواهر حاضر نمی‌شود و در
این زمینه تلاش او هم به
نتیجه ای نمی‌رسد. عاقبت به
صاحب جواهر عرض می‌کند: هر
طور که میل دارید اجازه
بدهید. صاحب جواهر بدون این
که اجتهاد او را تصدیق کند
اجازه گرفتن سهم امام و
سایر وجوه را به او می
دهند، ولی آن شخص در متن
اجازه نامه خود دست می‌برد
و یک

کلمه اجتهاد هم بر آن اضافه
می‌کند.

وقتی به وطن خود بازمی‌گردد
مورد توجه عموم قرار می
گیرد و از هر کجا عبور می
کرد همه به او احترام می
نمودند، غیر از پیرمردی که
پینه دوز بود و به او بی
اعتنایی می‌کرد و مطابق

معمول به او احترام نمی
گذارد. خودش نزد پیرمرد رفت
و سلام

کرد. پیرمرد جواب داد:
علیکم السلام ایها المدّلس.
آن شخص در حیرت فرو رفت
چگونه این پیرمرد از ِسِرّ او
ا ّطلاع دارد؟

پی جویی کرد، پیرمرد گفت:
امام عصر - ارواحنا فداه
- فرموده است: تو در اجازه
عبد صالح (صاحب جواهر)
تدلیس کرده ای و عذاب تو
پنجاه حقب (هر حقبی صدها سال
است) خواهد بود. آن شخص وقتی
این مطلب را شنید، از ریاست
آن محل دست کشید و رساله
عملیه

مراجعی را که صلاحیت
معنوی داشتند به دست
گرفت و به این طرف و آن
طرف برای تبلیغ رفت تا

این که گناهِش آمرزیده
شود³⁶!

حل مساله علمی

پسر مرحوم آقای سید محمد
فشارکی نقل کردند که پدرم
فرمود در یک مسئله ای هرچه
دقت و مطالعه می کردم برایم
حل نمی شد. حتی آن را با
مرحوم میرزای شیرازی در
میان گذاشتم، باز حل نشد.
روزی به کنارش طّ سام را
رفتم تا در حل آن مسئله فکر
کنم. نشسته و فکر می کردم،
ناگهان شخص عربی را مقابل
خود ایستاده دیدم، از من
پرسید: چه می کنی؟

گفتم: در مسئله ای فکر می
کنم. گفت: مسئله چیست؟ من
میل نداشتم با او صحبت
کنم، ولی چون او اصرار
کرد، گفتم

³⁶روزنه هایی از عالم غیب

فلان مسئله

گفت: در کجای آن مانده
ای و گیر داری؟ من با
این که نمی خواستم چیزی
بگویم، ولی به ناچار
مقدماتی را که برای
استنباط این مسئله ترتیب
داده بودم برای او شرح
دادم. وی گفته های مرا گوش
می کرد و به من همانند کسی
نگاه می نمود

که به تمام گفته های من تو
وجه کامل دارد، تا به یکی
از مقدمات رسیدم، فرمود:
این مقدمه اشتباه است، تا
این حرف را زد،

متوجه شدم که مسئله حل
شد. بعد از آن، ناگهان شخص
مذبور از نظر من غایب شد، به

طوري كه هرچه تفحص كردم او
را نيافتم!³⁷

عنايت خاص امام زمان عليه
السلام نسبت به حفظ مردم
ايران

مرحوم آقا سيد عباس
تهراني نقل كرد كه: برادرم
يكي از رؤساي ارتش روس را
در مهمان خانه اي ديده
بود كه از روي ناراحتي با
صداي بلند فرياد مي كشد و
مي گويد: آقا خوب، ولي
شماها بد.

برادرم مي گفت: نزد آن
فرمانده نشستم، مترجم او
مطالبش را به فارسي ترجمه
مي كرد. از او پرسيدم:
مقصود او از اين جمله چيست
كه آقا خوب، ولي شماها بد؟

³⁷روزنه هايي از عالم غيب

گفت: ما قصد داشتیم به
ایران حمله کنیم، روزی که
می خواستیم وارد مرز ایران
شویم، کشتی بزرگی را دیدیم
سر راه ما ایستاده، این
مطلب برای ما تازگی داشت،
زیرا قبلا بررسی کرده بودیم
و چنین کشتی ندیده بودیم.
نزدیک که آمدیم مشاهده

کردیم کسی در کشتی نیست،
فقط آقای روی بام کشتی
مشغول عبادت است. وقتی به
او رسیدیم، به ما گفت:

برگردید ایران صاحب دارد

ما کنار رفتیم و فکر کردیم
شاید خیال باشد، چشمان را
مالیدیم و دوباره برگشتیم
دیدیم همان کشتی با همان
کیفیت موجود هست. به مرکز
مخابره کردیم، دستور آمد که
برگردید³⁸!

³⁸روزنه هایی از عالم غیب

چرا ما امام زمان را نمی بینیم؟

روزی یکی از شاگردان علامه
طباطبایی (ره) خدمت ایشان
آمد و عرض کرد : جناب استاد
لطفا خیلی مختصر بفرمایید
چرا ما امام زمان را نمی
بینیم؟ علامه فرمودند

لطفا برگردید و پشت به من
بنشینید . شاگرد این کار را
انجام داد . علامه فرمودند
آیا الان می توانید مرا
ببینید؟ شاگرد عرض کرد خیر
، نمی توانم ببینم ، علامه
فرمودند چرا نمی توانی من
را ببینی؟ شاگرد عرض کرد
چون پشت من به شماست ، علامه
فرمود حالا متوجه شدید چرا
نمی توانید امام زمان را
بینید ، چون شما پشتتان به
امام زمان است با گناهان و

نافرمانی ها به امام زمان
پشت کرده ایم و در عین حال
تقاضای دیدار امام زمان را
داریم.^{۳۹}

شخصی از آیت الله بهجت ره پرسید
آیا وجود مبارک و باهرالنور
حضرت ولی عصر علیه السلام خودشان
هم به مسجد جمکران تشریف می
آورند و مانند مردم به نماز می
ایستند؟

ایشان در پاسخ به این سوال
فرمودند: آقایی که اهل علم بود
می گفت: بنده و یک شخص دیگر و
یک پیرمرد شب جمعه ای گذشته به
مسجد جمکران رفتیم، ساعت دوازده
شب بعد از خواندن نماز و توسل و
روضه خوانی سیدالشهدا علیه
السلام رفیقمان برای رسیدن به
خدمتش خیلی اظهار اشتیاق کرد

سپس آقایی را دیدیم که آمد و دم
محراب مسجد چهار رکعت نماز
خواند، اما چه نمازی و با چه
صدای دلنشینی

من از یک طرف و « رفیقمان از
پشت سرش، صدای قرائتش را می
شنیدیم، تا این که آقا علیه
السلام بعد از نماز بلند شد و به
طرف در مسجد حرکت نمود، و من
نتوانستم از هیبت او از جا بلند
شوم؛

ولی رفیقمان تا دم در مسجد از
پشت سرش رفت و آقا از مسجد خارج
شد و من تا دم در ایشان را می
دیدم.

سپس رفتم و از در مسجد به طرف
راست و چپ نگاه کردم، دیدم غایب
شده است و او را ندیدم.^{۴۰}

^{۴۰} ورق های آسمانی ص ۱۵۶ و ۱۵۷

در همه جا برای فرج امام زمان دعا نمایید

آیت الله سید علی قاضی رهیکی از
وظائف مهم و لازم برای سالکِ اِلَی
الله، دعا برای فرج حضرت حجت
صلوات الله علیه در قنوت «وَتَر» است

بلکه باید در هر روز و در همه
اوقات و همه دعاها، برای فرج آن
بزرگوار دعا نمود.⁴¹

گریه شدید شهید آیه الله مدنی

یک روز در ایام تحصیل در (ع)
نجف اشرف، پس از اقامه نماز
پشت سر آیت الله مدنی، دیدم که
ایشان شیدا دارند گریه
می‌کنند و شانه‌هایشان از شدت
گریه تکان می‌خورد، رفتم پیش
آیت الله مدنی و گفتم: ببخشید،
اتفاقی افتاده که این طور
شما به گریه افتاده اید؟

⁴¹ مکتوبات، مراسلات، مقالات ص 186-علامه محمدحسین تهرانی

ایشان فرمودند: یک لحظه، ☹
امام زمان (عجل الله تعالی
فرجه الشریف) را دیدم که به
پشت سر من اشاره نموده و
فرمودند: " آقای مدنی! نگاه
کن! شیعیان من بعد از نماز،
سریع می‌روند دنبال کار
خودشان و هیچکدام برای فرج
من دعا نمی‌کنند

اسم مهدی علیه السلام در
میان قبایل سرخ پوستان و تو
سل به آن حضرت

در خبرنامه داخلی جامعه
مدرسین حوزه علمیه قم
شماره 1366/3/30 - 137ص
6خبر جالبی بدین شرح آمده
است: سرخپوستان سه قبیله
از قبایل داکوتای شمالی و
منطقه قطب در هنگام نیاز و
نیز گم کردن راه در بین یخ
های قطبی و جنگلی از

فردی به نام «مهدی» کمک
می طلبند، که تا همین
اواخر از ارتباط این نام
با اسلام و یا اصولاً از
مکتب اسلام نیز اِطلاعی
نداشته اند و پس از اِطلاع
از این موضوع، تعدادی از
دانشجویان سرخ پوست به دین
اسلام مشرف شده اند.

توضیح این خبرنامه:
زبان‌شناسان و محققین زبان
های بومی آمریکای شمالی کشف
کرده اند که ریشه کلمه
«مهدی» در زبان های بومی اِ
ولیه در کشورهای شمالی و
جنوبی آمریکا، از جنبه
بسیار مذهبی اسرارآمیزی⁴²
برخوردار است.

علی علیه السلام از اواخر الزمان
می گوید

⁴²روزنه هایی از عالم غیب

علی علیه السلام در بعضی از کلمات خود فرموده است در

علامات ظهور حضرت قائم علیه السلام :

(إِذَا آمَاتِ النَّاسُ الصَّلَاةَ وَ أَضَاعُوا الْأَمَانَةَ وَ اسْتَحْلَوْا الْكِذْبَ وَ أَكَلُوا
الرِّبَا وَ أَخَذُوا الرِّشَا وَ شِيدُوا الْبُنْيَانِ وَ بَاعُوا الدِّينَ بِالدُّنْيَا وَ اسْتَعْمَلُوا
السُّفَهَاءَ وَ شَاوَرُوا النِّسَاءَ وَ قَطَعُوا الْأَرْحَامَ وَ اتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ وَ اسْتَحَفُّوا
بِالدَّمَاءِ وَ كَانَ الْحِلْمُ ضَعْفًا وَ الظُّلْمُ فُخْرًا وَ كَانَتِ الْأُمَرَاءُ فَجَرَةً وَ
الْوُزَرَاءُ ظَلَمَةً وَ الْعُرَفَاءُ خَوْنَةً وَ الْقُرَاءُ فَسَقَةً وَ ظَهَرَتِ شَهَادَاتُ الزُّورِ
وَ اسْتَغْلَنَ الْفُجُورُ وَ قَوْلُ الْبُهْتَانِ وَ الْإِثْمُ وَ الطُّغْيَانُ وَ خَلَّتِ الْمَصَا
حِفٌ وَ زُخِرَتِ الْمَسَاجِدُ وَ طَوَّكَتِ الْمَنَائِرُ وَ أَكْرَمَ الْأَشْرَارُ وَ
ازْدَحَمَتِ الصُّمُوفُ وَ اخْتَلَفَتِ الْأَهْوَاءُ وَ نَقَضَتِ الْعُقُودُ وَ اقْتَرَبَ
الْمَوْعُودُ وَ شَارَكَ أَزْوَاجُهُنَّ فِي التَّجَارَةِ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا وَ عَلَتْ
أَصْوَاتُ الْفُسَّاقِ وَ اسْتَمِعَ مِنْهُمْ وَ كَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرْدَلَهُمْ وَ اتَّقَى
الْفَاجِرُ مَخَافَةَ شَرِّهِ وَ صَدَّقَ الْكَاذِبُ وَ اتَّيَمَّنَ الْخَائِنُ وَ التَّخَذَتِ
الْقِيَانُ وَ الْمَغَازِفُ وَ لَعَنَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوَّلَهَا وَ رَكِبَ ذَوَاتِ الْقُرُوجِ
السُّرُوجِ وَ تَشَبَّهَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ شَهِدَ الشَّاهِدُ مِنْغِيرَ
أَنْ يَسْتَشْهَدَ وَ شَهِدَ الْآخِرُ قَضَاءَ لِدِمَامٍ بَغِيرٍ حَقَّ عَرَفَهُ وَ تَقَفَّهَ لِغَيْرِ
الدِّينِ وَ اتَرَوْا عَمَلَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ لَبَسُوا جُلُودَ الضَّعَاءِ عَلَى
قُلُوبِ الذَّنَابِ وَ قُلُوبُهُمْ أَعْتَنُ مِنَ الْجَنَفِ وَ أَمَرُ مِنَ الصَّبْرِ فَعِنْدَ ذَلِكَ
الْوَحَا الْوَحَا الْعَجَلُ الْعَجَلُ خَيْرُ الْمَسَاكِينِ يَوْمَئِذٍ بَيْتُ الْمُقَدَّسِ لِيَاءِ تَيْنٌ

عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَتَمَنَّى أَحَدُهُمْ أَنَّهُ مِنْ سَكَّانِهِ^{۴۳}.

[ترجمه: زمانی که مردم نماز را بمیرانند و امانت را ضایع کنند و دروغ گفتن را حلال شمارند و ربا بخورند و رشوه بگیرند و ساختمانها را محکم بسازند و دین را به دنیا بفروشند و موقعی که سفیهان را به کار گماشتند و با زنان مشورت کردند و پیوند خودشان را پاره نمودند و هواپرستی پیشه ساختند و خون یکدیگر را بی ارزش دانستند، حلم و بردباری در میان آنها نشانه ضعف و ناتوانی باشد و ظلم و ستم باعث فخر گردد، امراء فاجر، وزراء ظالم و سرکردگان دانا و خائن و قاریان (قرآن) فاسق باشند. شهادت باطل آشکار باشد و اعمال زشت و گفتار بهتان آمیز و گناه و طعیان و تجاوز علنی گردد قرآنها زینت شود و مسجدها نقاشی و رنگ آمیزی و مناره ها بلند گردد و اشرار مورد عنایت قرار گیرند و صف ها در هم بسته شود. خواهشها مختلف باشد و پیمانها نقض گردد و وعده ای که داده شد نزدیک شود. زنها به واسطه میل شایانی که به امور دنیا دارند در امر تجارت با شوهران خود شرکت جویند. صداهای فاسقان بلند گردد و از آنها شنیده شود.

^{۴۳}. منتهی الامال

بزرگ قوم، رذل ترین آنهاست، از شخص فاجر به ملاحظه
 شرش تقيه شود، دروغگو تصدیق و خائن امین گردد، زنان
 نوازنده، آلات طرب و موسیقی به دست گرفته نوازندگی کنند و
 مردم پیشیان خود را لعنت نمایند. زنها بر زین ها سوار شوند و
 زنان به مردان و مردان به زنان شباهت پیدا کنند. شاهد (در محکمه
) بدون اینکه از وی درخواست شود شهادت می دهد و دیگری به
 خاطر دوست خود بر خلاف حق گواهی می دهد. احکام دین را
 برای غیر دین بیاموزند و کار دنیا را بر آخرت مقدم دارند. پوست
 میش را بر دل های گرگ ها بپوشند، در حالی که دل های آنها از
 مردار متعفن تر و از صبر تلخ تر است. در آن موقع شتاب و
 تعجیل کنید. بهترین جاها در آن روز بیت المقدس است. روزی
 خواهد آمد که هر کسی آرزو کند که از ساکنان آنجا باشد.^{۴۴}

علت ممنوعیت نام بردن امام زمان علیه السلام

دردوران غیبت صغری برای نواب
 خاص و برخی از شیعیان امکان

^{۴۴} مهدی موعود علیه السلام - ترجمه استاد دوانی ص 963

دیدار با حضرت مهدی عج وجود داشت و گهگاه دیدارهایی صورت می گرفت اما به دلیل مشکلات سیاسی، هر یک از نواب اربعه در زمان خود موظف بودند از بردن نام حضرت و افشای محل او در سطح عمومی خودداری ورزند. زیرا در غیر این صورت، جان امام از سوی حکومت وقت به خطر می افتاد. این سیاست استتار و پنهانکاری، دقیقاً بر اساس دستور و راهنمایی خود امام صورت می گرفت. چنانکه روزی ابتداءً و بدون اینکه سؤالی از حضرت در این باره شده باشد، توقیعی به این مضمون خطاب

به محمد بن عثمان (سفیر دوم) صادر شد:
کسانی که از اسم (من) می پرسند، باید بدانند اگر سکوت کنند بهشت، و اگر حرفی بزنند جهنم (در انتظار آنان) است. چه، اینان اگر بر اسم واقف شوند، آن را فاش می سازند و اگر از مکان آگاه شوند، آن را نشان می دهند. ...^{۴۵}

با دعا و تضرع، فرج زودتر انجام می شود

مفضل گوید از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که
می فرماید روزی خداوند به ابراهیم علیه السلام وحی
کرد که به زودی صاحب فرزندی خواهی شد. ابراهیم
علیه السلام بسیار خوشحال شد به سرعت به نزد ساره،
همسر خود، شتافت تا این مژده مسرت بخش را به او
برساند.

وقتی ساره از بشارت_ الهی مطلع شد، به ابراهیم علیه
السلام گفت: چه می گویی؟ من پیر شده ام. چه طور
ممکن است که صاحب فرزندی شوم.

ابراهیم علیه السلام سخت به فکر فرو رفت.

حق تعالی دوباره به او وحی کرد و فرمود: ای ابراهیم!
همسرت به زودی فرزندی به دنیا خواهد آورد که اولاد

او به خاطر این که مادرشان وعده مرا انکار کرد،
!چهارصد سال گرفتار عذاب خواهند شد

فرزندان ساره یعنی بنی اسرائیل، سال ها (به همین
جهت) گرفتار عذاب (وستم فرعونیان) بودند. تا این که
روزی از طولانی شدن مدّت عذاب به تنگ آمده و
چهل شبانه روز تمام به درگاه الهی گریه وزاری
نمودند.

در این هنگام، خداوند متعال موسی و هارون (علیهما
السلام) را مبعوث نمود تا آن ها را از دست فرعونیان
نجات دهند، و صد و هفتاد سال زودتر از موعد مقرر
گرفتاری آنها را بردارند.

آنگاه امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود: شما نیز اگر
برای تعجیل در فرج قائم ما (علیه السلام) گریه وزاری کنید،

خداوند فرج ما را نزدیک خواهد نمود. والّا باید تا آخرین
روز موعد ظهور او در انتظار به سر برید.^{۴۶}

همه جا برای فرج امام زمان دعا نمایید

علامه قاضی می فرمودند که:

یکی از وظائف مهم و لازم برای سالک إلی الله، دعا
برای فرج حضرت حجّت صلوات الله علیه در قنوت
«وَتُر» است.

بلکه باید در هر روز و در همه اوقات و همه دعاها، برای
فرج آن بزرگوار دعا نمود.^{۴۷}

عباد بن محمد مدائنی می گوید

امام صادق علیه السلام پس از نماز ظهر، دست‌ها را بلند
نموده و دعا کردند.

گفتم: جانم به فدایتان، برای خودتان دعا کردید؟

فرمود

دعوت لنور آل محمد و سائقهم والمنتقم بامر الله من⁴⁸
«اعدائهم»

برای نور آل محمد صلی الله علیه و آله و غایب آنان و
کسی که به امر خدا از دشمنان آنان انتقام می گیرد، دعا
نمودم

⁴⁸فلاح السائل، ص 170

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس سوره بنی اسرائیل (اسراء) را در هر شب جمعه بخواند نمی میرد تا آنکه زمان قائم آل محمد علیه السلام را درک کند و از یاران او بشود»^{۴۹}..

شب جمعه

روایات، قدر و منزلتی خاص برای این شب قائلند. تاکید و اهتمام دعا برای امام عصر (علیه السلام) در شب جمعه به چند جهت است:

۱. اختصاص داشتن روز جمعه به آن حضرت، پس شایسته است که در شب آن، برای آن حضرت دعا شود.

۲. شب جمعه، شب عرضه شدن اعمال به حضرت است.

⁴⁹ البرهان فی تفسیر القرآن مترجم ج 8 ص 215

۳. در بعضی از کتب معتبر شیعه امامیه روایت آمده که

از جمله اعمال شب جمعه، آن است که صدبار گفته شود: «اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و اهلك عدوهم من الجن و الانس من الاولین و الآخین».

۴. مرحوم محدث نوری در کتاب نجم الثاقب، نقل کرده که **خواندن دعای ندبه در شب جمعه** مستحب است.

۵. روایاتی که امر کرده به دعا برای مومنین و مومنات در شب جمعه؛ و آن حضرت از همه مومنین سزاوارتر است.^{۵۰}

آنچه از روایات به دست می آید ظاهراً این است که وقت ظهور امام عصر (عج) از امور بدائیه است که امکان پس و پیش افتادنش هست.^{۵۱}

یعنی می توان با دعا نمودن، فرج و ظهور امام عصر (عج) را جلو انداخت و تشویق ائمه اطهار علیه السلام به دعا

نمودن برای تعجیل ظهور، بیانگر آن است که حصول
فرج و فرارسیدن دوران ظهور، دارای یک زمان
صددرصد تعیین شده و تغییر ناپذیر نیست و اگر مردم به
مسئله غیبت امام زمانشان و طولانی شدن این امر بی
توجهی نموده و با دل های متحد و یک پارچه، فرج آن
حضرت را از خداوند متعال نخواهند، خداوند ظهور آن
بزرگوار را تا انتهایی که برای دوران غیبت در نظر
گرفته است و ما از آن اطلاعی نداریم به تعویق خواهد
انداخت و البته این نهایت نیز ممکن است هر لحظه فرا
برسد.

مؤلف مکیال المکارم می نویسد:

در زمان حضرت ادریس پیامبر علیه السلام نیز وقتی آن
حضرت مورد حمله حکومت طغیان گر زمان خویش
قرار گرفت، از میان مردم غایب گردید. در دوران
غیبت او، پیروانش که در نهایت سختی و شدت قرار
داشتند، تصمیم گرفتند در برابر خداوند توبه نمایند. این

بازگشت و پشیمانی واقعی باعث شد که خداوند، دوران غیبت او را پایان بخشد. حضرت ادریس علیه السلام ظاهر شد و حاکم ستمگر در برابر او به ذلّت و خواری افتاد.

همچنین است اگر مردم در زمان غیبت، به صورت دسته جمعی توبه نموده و قصد یاری امام عصر (عج) را نمایند، امید است که خداوند طومار غیبت را در هم پیچیده و آن بزرگوار را ظاهر نماید.^[52]

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام در عالم خواب یا مکاشفه به مرحوم آیت الله میرزا محمدباقر فقیه ایمانی فرمودند:

در منبرها به مردم بگویید و به آنان دستور دهید توبه کنند و برای تعجیل ظهور حضرت حجّت علیه السلام دعا نمایند. دعا برای آمدن آن حضرت، مانند نماز میّت نیست که واجب کفایی باشد و با انجام دادن عدّه ای از دیگران ساقط شود؛ بلکه مانند نمازهای پنج گانه است

که بر هر فرد بالغ واجب است برای ظهور آن حضرت دعا کند.^[53]

مرحوم فقیه ایمانی در کتاب خود می نویسد:
... و نیز از بسیاری از اخبار و فقرات ادعیه و زیارات
استفاده می شود که امر ظهور آن حضرت، اصل
وقوعش یک وعده تخلف ناپذیر الهی است؛ ولی زمان
وقوع آن از امور بدائیه است که قابل تعجیل و تأخیر
است و نیز از بعضی از اخبار به دست می آید که دعای
مؤمنان هنگامی که با شرایط و آدابش انجام شود، تأثیر به
سزایی در تعجیل فرج خواهد داشت.^[54]

سید حلاوی شاعر اهل بیت علیه السلام قصیده ای سرود و در
ضمن آن از گرفتاری های شیعیان و درد، رنج، شکنجه
و مصایب آنها به پیشگاه امام عصر علیه السلام شکایت
کرده و این قصیده را در چندین مجلس خوانده بود.
یکی دو نفر از اوتاد نجف اشرف در عالم رؤیا خدمت

⁵³ مکمال المکارم، ج 1، ص 438؛ صحیفه مهدیه، ص 51

⁵⁴ شیوه های یاری قائم آل محمد(ص)، ص 57

حضرت ولی عصر علیه السلام مشرف شدند. حضرت
به آنها فرمودند:

بروید به سید (حلاوی) بگویید: سید! این قدر دل مرا مسوزان،
این قدر سینه مرا کباب مکن. این قدر ناراحتی شیعیان را به
گوشت مریسمان. من از شنیدن آن متأثر می شوم... «لیس الأمر
بیدی»؛ کار در دست من نیست، به دست خداست. دعا کنید
خداوند فرج مرا برساند. ^{۵۵]}

یکی از تشرّف یافتگان به آستان مقدّس حضرتش می
گوید:

در مسجد مقدّس جمکران اعمال را به جا آورده و با
همسرم می آمدم. دیدم آقای نورانی داخل صحن شده
و قصد دارند به طرف مسجد بروند. گفتم: این سید
نورانی در این هوای گرم تابستان از راه رسیده، تشنه
است. ظرف آبی به دست او دادم. ظرف آب را پس داد
گفتم: آقا شما دعا کنید و فرج امام زمان (عج) را از خدا
بخواهید تا امر فرجش نزدیک شود. فرمودند:

«شیعیان ما به اندازه آب خوردنی ما را نمی خواهند. اگر
بخواهند دعا می کنند فرج ما می رسد».^{56]}

به این دو پیام از مولایمان حضرت مهدی (عج) نیز
گوش جان می سپاریم:
هر مؤمنی که در مجالس سوگواری پس از ذکر
مصایب حضرت سیدالشهداء علیه السلام برای من دعا
کند، من برای او دعا می نمایم.^[57]
به شیعیان و دوستان ما بگویید که خدا را به حقّ عمّه ام
حضرت زینب (س) قسم دهند که فرج را نزدیک
گرداند.^[58]

در برخی روایات، دعا برای فرج از **حقوق اهل بیت**
علیه السلام بر شیعیان شمرده شده است؛ چنان که امام
صادق علیه السلام فرموده اند:
همانا از حقوق ما بر شیعیان این است که بعد از هر نماز
واجب، دست هایشان را بر چانه گذاشته و سه مرتبه بگویند:
یا رَبِّ مُحَمَّدٍ عَجَلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ.

⁵⁶ شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج 1، ص 155

⁵⁷ مکمال المکارم، ج 1، ص 333

⁵⁸ شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج 1، ص 251.

يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ إِحْفَظْ غَيْبَةَ مُحَمَّدٍ.

يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ اِنْتَقِمِ لِابْنَةِ مُحَمَّدٍ.

ای پروردگار محمد(ص)، فرج و گشایش امور آل

محمد را تعجیل فرما.

ای پروردگار محمد(ص)، محافظت کن (دین را در)

غیبت محمد(ص).

ای پروردگار محمد(ص)، انتقام دختر محمد(ص) را

بگیر.^{۵۹}]

دعا برای ظهور امام عصر علیه السلام از راه های نجات

در دوران ظلمانی غیبت نیز هست؛ زیرا امام حسن

عسکری علیه السلام فرمودند:

سوگند به خدا فرزندم دارای غیبتی خواهد بود که هیچ کس

در آن دوران از هلاکت و نابودی رهایی نمی یابد، مگر کسی

که خداوند او را بر اعتقاد به امامت وی استوار ساخته و بر دعا

برای تعجیل ظهور آن حضرت توفیقش ببخشد.^{۶۰}]

آن حضرت در روایت دیگری چنین فرمودند:

59. صحیفة مهدیة، ص 195

60. کمال الدین، ج 2، ص 368

... هر گاه صبحگاهان روزی دیدید که امامی از آل
محمد (ص) غایب گشته او را مشاهده نمی کنید، پس به
درگاه خداوند عزوجل استغاثه نمایید (و فرج و ظهور او
را از پروردگار بخواهید)... پس چه زود باشد که فرج و
گشایش بر شما رخ نماید...⁶¹

تکان میخوری بگو یا صاحب الزمان؛

آیت الله بهجت:

تکان میخوری بگو یا صاحب الزمان؛

می نشینی بگو یا صاحب الزمان؛

برمیخیزی بگو یا صاحب الزمان؛

صبح که از خواب بیدار می شوی مودب بایست و

صبحت را با سلام به امام زمانت

شروع کن و بگو اقا جان دستم به دامت، خودت یاری
ام کن؛

شب که میخوابی بخوابی اول دست به سینه بگذار و
سلام بده و بعد بخواب؛

شب و روزت را به یاد محبوب سر کن که اگر اینطور
شد، شیطان دیگر در زندگی تو جایگاهی ندارد.

نمیتوانی گناه کنی؛

- ((جابر جُعی)) می گوید: از
امام باقر (علیه السلام) شنیدم
می فرمود:
عمر بن خطّاب از امیرمؤ منان علی
(علیه السلام) پرسید: ((مرا از
نام مهدی (علیه السلام) آگاه کن
)).

حضرت علی (علیه السلام)
فرمود: ((درباره نام او حبیبم
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و

سَلَمَ) با من عهد کرده که نامش
را برای کسی نگویم تا وقتی که
خداوند او را ظاهر کند و
برانگیزد)).

عمر گفت : از چهره او مرا آگاه
کن .

امام علی (علیه السلام)
فرمود: ((او (هنگام ظهور) جوانی
است چهارشانه با اندام متوسط،
خوش صورت و خوش مو، موهایش بر
شانه هایش ریخته و نور درخشان
صورتش بر سیاهی موی محاسنش و بر
سیاهی موی سرش چیره شده (و
سیاهی مو تحت الشعاع نور قرار
می گیرد) پدرم به فدای فرزند
بهترین کنیزان)) .⁶²

- ((عُجْدَ بن عجلان)) می گوید: امام
صادق (علیه السلام)

گذری بر زندگی امام دوازدهم حضرت مهدی علیه السلام ترجمه: محمد محمدی

اشتهاردی

فرمود: ((هنگامی که حضرت قائم (علیه السلام) قیام کند، مردم را از نو به سوی اسلام دعوت می کند، به چیزی (یعنی اسلام حقیقی که) کهنه شده و بسیاری از مردم از آن گم و دور گشته اند، هدایت می نماید و او را از این رو ((مهدی)) نامند که مردم را به روشی که از آن دور و گم فرزند بهترین کنیز

ابو جحیفه ، حرث بن عبدالله همدانی و حرث بن شرب ، می گویند : روزی در خدمت حضرت علی علیه السلام بودیم . حضرت رو به فرزند خود امام حسن علیه السلام نموده و فرمود : مرحبا ای پسر پیغمبر ! در این حال ، فرزند دیگر امام یعنی حسین علیه السلام وارد شد . حضرت علی علیه السلام به او فرمود : پدر و مادرم قربانت شود ای پدر فرزند بهترین کنیزان ! عرض کردیم : یا امیر الموءمنین ! چرا به امام حسن علیه السلام آن طور و به امام حسین علیه السلام این گونه خطاب کردید ؟ فرزند بهترین کنیزان کیست ؟ امام علیه السلام فرمود :

او گم شده ای است که از کسان و
وطن دور و مهجور ، و نامش (
محمد) است ، و فرزند حسن بن
علی بن محمد بن علی بن موسی بن
جعفر بن محمد بن علی بن حسین
علیهم السلام می باشد .

در این هنگام ، حضرت دست مبارک
را بر روی سر امام حسین
علیه السلام نهاد و فرمود : همین
حسین .⁶³

برخورد جاهلان با حضرتش:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ
جَهْلَةِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ
سَلَّمَ مِنَ الْجَاهِلِيَّةِ، فَقِيلَ لَهُ: كَيْفَ
ذَلِكَ؟ فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَتَى
النَّاسَ وَهُمْ يَعْبُدُونَ الْجَارَةَ وَ
الصُّخُورَ وَ الْعِيدَانَ وَ الْخَشَبَ
الْمَنْحُوتَةَ وَ أَنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ
أَتَى النَّاسَ وَ كُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُونَ عَلَيْهِ
كِتَابَ اللَّهِ وَ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ وَيُقَاتِلُهُ
عَلَيْهِ أَمَا وَ اللَّهُ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمُ

عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ
«وَالْقَرْ»

64

قائم ما روزی که قیام کند،
برخورد مردم جاهل و نادان، با او
برتر و شدیدتر از برخورد جاهلان
دوره جاهلیت با رسول خدا صلی الله
علیه و آله خواهد بود.

از حضرت پرسیدند: چطور؟

فرمود: وقتی پیامبر(ص) مبعوث
شد، در حالی مردم را دعوت به
اسلام کرد که سنگ و کلوخ و
چوبهای ساخته شده را می
پرستیدند ولی وقتی قائم ما قیام
کند، در حالی به سوی مردم آید
که با کتاب خدا و تأویلهای غلط
با او برخورد کنند و به او
احتجاج نمایند و با قرآن به جنگ
او برآیند اما به خدا قسم،
آنچنان عدالت آن حضرت در خانه
هایشان نفوذ کند همانگونه که
گرما و سرما نفوذ می کند

⁶⁴الغیة نعمانی، ص 159، بحارالانوار، ج 52، ص 361

فرق روش مهدی علیه السلام با روش پیامبر (ص)

زراره از امام صادق علیه السلام پرسید آیا روش حضرت مهدی علیه السلام مانند جدش پیامبر صلی الله علیه و آله است ؟ فرمود : هیهات ! هیهات ! او مانند روش پیامبر عمل نمی‌کند ! زراره پرسید : چرا ؟ فرمود : پیامبر مأمور به نرمش و ملاطفت بود و با محبت میان آنها الفت ایجاد کرد ، ولی امام مهدی علیه السلام با زورمداران با زبان شمشیر سخن می‌گوید ، زیرا در کتابی که همراه دارد به چنین شیوه‌ای مأمور است و از کسی توبه قبول نمی‌کند . وای به حال کسی که با او سرستیز و جنگ داشته باشد !

فرازی از دعای قنوت امام عسکری ::
علیه السلام

اللَّهُمَّ وَ ارْحَ بِهِ الْأَبْدَانِ اللَّاعِبَةِ

الْمُتَعَبَةَ ، كَمَا أَلْهَجَّتْنَا بِذِكْرِهِ وَ
 أَخْطَرْتَ بِبَالِنَا دُعَاكَ لَهُ وَ وَفَّقْتَنَا
 لِلدُّعَاءِ إِلَيْهِ وَحَيَاشَةَ أَهْلِ الْعَفْلَةِ
 عَنْهُ وَ أَسْكَنْتَ فِي قُلُوبِنَا مَحَبَّتَهُ وَ
 :الطَّمَعِ فِيهِ

□ پروردگارا ، همانطور که ما را
 شیفته یاد مهدی کردی و دعا کردن
 برای ظهورش را به ما الهام
 نمودی و به ما توفیق دادی که به
 سوی او دعوت کنیم و غافلان را از
 او دور کنیم و در قلب های ما
 محبت و امید به او را جای دادی
 پس همانطور بدن های رنجور ما را
 با ظهورش آسوده کن.⁶⁵

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ
 يَكْشِفُ السُّوءَ⁶⁶

کجاست آن مضطری که خداوند دعای :
 او را مستجاب بکند.؟

⁶⁵ مهج الدعوات ص 65

⁶⁶ ...نمل، 62

امام صادق علیه السلام در
تفسیر این آیه می فرماید
این آیه در مورد قائم مانازل
شده، به خدا قسم او مضطراست
آنگاه که نزد مقام حضرت ابراهیم
که در کنار خانه ی خدا است دو
رکعت نماز بخواند و خدا او را
اجابت نماید و گرفتاری او را
برطرف کند خداوند او را خلیفه و
جانشین روی زمین قرار دهد⁶⁷

ادله تاریخی و روایی ولادت و
حیات حضرت مهدی علیه السلام
زیاد است؛ ما برای نمونه به چند
سند تاریخی اشاره می کنیم

1- بسیاری از دانشمندان نامدار
اهل سنت پذیرفته و در کتاب
هایشان متذکر شده اند که: مهدی
موعود فرزند امام حسن عسکری
علیه السلام است و در سامراء
در سال 2555 هجری متولد شده است
و در پس پرده غیبت زندگی می کند

⁶⁷ سیمای ماه دوازدهم در سی جزء قرآن - استاد اباذری

و روزی به امر خداوند ظهور
خواهد کرد

2- امام عسکری علیه السلام قبل
از ولادت فرزندش امام مهدی (عج)
از ولادت حضرت خبر داده بود، از
جمله به عمه اش "حکیمه خاتون"
فرمود: "در شب پانزدهم شعبان
فرزندم مهدی از نرگس خاتون
متولد می شود

احمد بن اسحاق می گوید: از امام
ابو محمد حسن عسکری علیه السلام
شنیدم که فرمود: "حمد و سپاس
خدای را که مرا از دنیا نبرد تا
این که جانشین من و مهدی موعود
را به من نشان داد. او از حیث
ویژگی های جسمانی و اخلاقی و
رفتاری شبیه ترین انسان ها به
پیامبر خدا (ص) است. خدا مدتی وی
را در حالت غیبت نگهداری می کند
و سپس ظاهر می شود و جهان را از
عدل و داد پر می کند

نیز حضرت عسکری علیه السلام
بعد از ولادت فرزندش، خواص و
نزدیکان را از تولد امام
مهدی (عج) آگاه نمود

عُجَّه بن علی بن حمزه گوید: از امام
عسکری علیه السلام شنیدم: "حجت
خدا بر بندگان و امام و جانشین
من در پانزدهم شعبان سال 255 در
هنگام طلوع فجر متولد شد

احمد بن حسن بن اسحاق قمی می
گوید: وقتی که امام مهدی (عج)
متولد شد، نامه‌ای از امام عسکری
علیه السلام به من رسید که
حضرت مرقوم فرموده بود: فرزندی
برایم متولد شده است. این موضوع
را مخفی بدار، زیرا جز برای
دوستان و نزدیکان ما آن را
اظهار نخواهم کرد

ابراهیم بن ادیس می‌گوید: امام
ابو عَجَّه عسکری علیه السلام
گوسفندی را برای من فرستاد و
فرمود: "این را به جهت ولادت
فرزندم "مهدی" عقیقه کن و به
خود و خانواده ات بخوران

3- امام عسکری علیه السلام
افزون بر این که قبل از ولادت
امام مهدی بشارت داد و بعد از
تولد به خواص خبر داد که مهدی
موعود ولادت یافته است، گام

دیگری برداشت، و آن این بود که
برای افزایش ایمان و اطمینان
شیعیان، فرزندش امام مهدی را به
تعدادی نشان داد

احمد بن اسحاق می گوید: امام
عسکری علیه السلام کودک سه
ساله ای را به من نشان داد و
فرمود: ای احمد، اگر تو نزد خدا
و امامان گرامی نبودی، فرزندم
را به تو نشان نمی دادم. بدان
که این کودک همنام و هم کنیه ی
رسول خدا است و همان کسی است که
زمین را پر از عدل و داد خواهد
کرد

معاویه بن حکیم، مُحَمَّد بن ایوب و مُحَمَّد
بن عثمان بن سعید عمری می گویند:
ما یک گروه چهل نفره در خانه
امام حسن عسکری علیه السلام
جمع شده بودیم، حضرت فرزندش
امام مهدی را به ما نشان داد و
فرمود: "این امام شما و جانشین
من است

علی بن بلال، احمد بن هلال، مُحَمَّد بن
معاویه بن حکیم و حسن بن ایوب
می گویند: ما تعدادی از شیعیان

در خانه ی امام حسن عسکری علیه السلام تجمع نمودیم و از حضرت درباره جانشین وی پرسش نمودیم، پس از ساعتی حضرت کودکی را به ما نشان داد و گفت: "بعد از من این امام شما است

عمر اهوازی می‌گوید: امام حسن عسکری علیه السلام فرزندش را به من نشان داد و فرمود: "بعد از من این فرزندم امام شما است

ابراهیم بن محمد گوید: در خانه عسکری کودک زیبایی را دیدم، از حضرت پرسیدم: یا ابن رسول الله، این کودک کیست؟ حضرت فرمود: "این کودک من است. این جانشین من است

يعقوب بن منفوس می‌گوید: خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدم و از حضرت درباره ی امام بعدی و صاحب الامر جویا شدم. حضرت فرمود: پرده را کنار بزن؛ کنار زدم، در این هنگام کودک پنج ساله ای را دیدم که به سوی ما می‌آید، آمد و روی زانو ی حضرت عسکری علیه السلام نشست. حضرت فرمود: "این امام شما است

4-بعد از بشارت های امام عسکری
علیه السلام و نشان دادن فرزند
بزرگوارشان مهدی، به خواص و
افراد مورد اطمینان، اینک نوبت
خواص است که اقدام نمایند و
وجود امام مهدی را به اطلاع دیگر
شیعیان برسانند تا آنان را از
شک و حیرت نجات دهند.

افرادی همانند حکیمه خاتون،
دختر محمد بن علی بن موسی
الرضاعلیه السلام ، عثمان بن
سعید عمری، حسن بن حسین علوی،
عبدالله بن عباس علوی، حسن بن
منذر، حمزة بن ابی الفتح، محمد بن
عثمان بن سعید عمری، معاویة بن
حکیم، محمد بن معاویة بن حکیم، محمد
بن ایوب بن نوح، حسن بن ایوب بن
نوح، علی بن بلال، احمد بن هلال،
محمد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر،
یعقوب بن منفوس، عمر اهوازی،
خادم فارسی، ابوعلی بن مطهر،
ابی نصر طریف خادم، کامل بن
ابراهیم، احمد بن اسحاق، عبدالله
مستوری، عبدالله جعفر حمیری، علی
بن ابراهیم مهزیار، ابوغانم
خادم، کوشیدند و ولادت امام

مهدی(عج) را به اطلاع شیعیان
رساندند.

همچنین در دوران غیبت صغری و
دوران غیبت کبری تاکنون صدها
نفر محضر مبارک امام زمان عج
شرفیاب شده اند از جمله: علی بن

مهزیار اهوازی. ابو راحج
حمامی. مُحَمَّد بن عیسی بحرینی. سید
احمد رشتی. شیخ حسین نجفی.
اسماعیل هرقلی. شهید ثانی. سید
بن طاووس. علامه حلی. مقدس
اردبیلی. سید بحر العلوم. شیخ
مرتضی انصاری. اخوند ملاکاظم
خراسانی. سید عبدالحسین لاری.
سید محسن امین. سید ابو الحسن
اصفهانی. میرزا مهدی اصفهانی.
حسنعلی نخودکی.. شیخ مُحَمَّد تقی
بافقی. ایه الله بروجردی. حجت کوه
کمری. رجبعلی خیاط. سید علی
قاضی. مُحَمَّد تقی بهجت. کوهستانی. شیخ
علی کاشانی. نجفی مرعشی. تقی بی
نماز. مُحَمَّد علی فشندی تهرانی. میرزا
احمد سیبویه. شیخ مُحَمَّد طاهر نجفی.
سید مُحَمَّد تقی مشیری. شیخ طه نجف

میر جهان‌ی. حاج علی
بغدادی. میرزا حسن شیرازی. الهی
طباطبائی. احمد بن راشد. شهید
احمد علی نیری. شیخ حرّ عاملی.
حاج آقا فخر تهرانی. سید محمد
فشارکی. شیخ مرتضی حائری. سید محمد
کسائی. حاج محقق. حجة الاسلام
شفتی. سید صادق شمس. نمازی
شاهرودی. حاج اسماعیل چاپلوی.
حسین عراقی. آقای اشکانی. حاج
حسین خان ضیائی بیگدلی. سید
نورالله یزدی. حاج حسین مظلومی.
مهاجر اصفهانی. آقا سیدکریم.
همسر آقای (متقی همدانی) - دختر
ایه الله محمد علی اراکی.

شیخ محمد طاهر نجفی. پدر ایه الله
سیستانی. مشهدی علی اکبر
تهرانی. احمد بن محمد انصاری.
تشریف بانوئی از آمل. حاج سیدرضا
فروغی. شیخ جعفر مجتهدی. سید هاشم
حداد. شیخ علی حلاوی. شیخ
عبدالزهره کعبی. سید محمد رضا
بهاالدینی. سید علی هاشمی
بجنوردی. میرزا حسن امین
الواعظین. علی علی قاضی زاهدی.
ابوسوره. سید عزیزالله تهرانی. سید
محمد تقی شهرستانی. سید محمود
شاهرودی. سید محمد جبل عاملی.

ابوالحسن بنابی البغل کاتب. حاج
سید اسماعیل شرفی. امیر اسحاق
استرآبادی. امام خمینی. ایه الله
. سید علی خامنه ای

50 نفر از یاران امام زمان علیه السلام، زن هستند.

امام باقرعلیه السلام فرمود:

از سیصد و سیزده یار امام زمان،
پنجاه نفر آنها زنان هستند که
در اولین فرصت در مکه خود را به
امام زمان ملحق می کنند بدون
آنکه وعده قبلی در بین باشد .
آمدن زنان همچون ابرهای پاییزی
است که با حرکتی تند می آیند
و در مکه جمع میشوند⁶⁸

چند برهان برای اثبات وجود مقدس
امام زمان علیه السلام

برهان اول-برهان نظام احسن
برای اثبات وجود حجت عصر
اروحنا له الفداء

برهان دیگر بر اثبات وجود حجت
عصر اروحنا له الفداء، برهان
نظام احسن اتقن است که بیانش
اجمالاً این است

نظر به اینکه نظام عالم کبیر به
اتفاق قاطبه‌ی حکما و عرفا و
عقلای عالم بر طبق نظام علمی
ربوبی و جوبی حق تعالی می‌باشد،

ان النظام الاتقن الامکانی

(طبق النظام الاحسن الربانی

و از این جهت نظام عالم کبیر را
نظام اتقن نامیده‌اند که منطق
وحي اتقان آن را مورد تایید
قرار داده کما اشارالیه نص
الکتاب الالهی: صنع الله الذي اتقن
کلشی (آیه 88 سوره نمل) و در
صحیفه علویه آمده است (و کفی
باتقان الصنع علیه آیه)، و لنعم
:ما قیل

جهان چون خط و خال و چشم و ابرو
است

که هر چیزی به جای خویش نیکو
است

چه خوش ترتیبی آن نظم آفرین باد

که بر حسن نظامش آفرین باد

و الحق باید گفت نظامی در صنع
الهی از این بهتر و نیکوتر و
زیباتر متصور نیست و سر و حکمت
این اتقان و حسن و زیبائی آن
است که نقشه‌ی این نظام کیانی بر
طبق نظام احسن علمی ربانی است
چنانکه حکیم متاله الموید
بتائید الباری حاج ملا هادی
سبزواری در منظومه‌ی خود گفته
است:

فالکل من نظامه الکیانی

ینشاء من نظامه الربانی

پس معلوم می شود نظام صنع جز
مظاهر شئون الهیت و مراتب جمال
و جلال کبریایی الوهی چیزی نیست:
الهیت شئون خویشان خو است -
پدید آرد جهان را خوش بیار است

بنابر این شئون الهیت به مظهریت
اسماء الهیه در تشکیل نظام صنع
که صورت الهیت است حتما مقتضی
است که نظام اتقن همیشه مشتمل
بر وجود مظهر اعظم و اتم و اکمل
که مصداق آن جود ولی و حجه الله
بوده باشد در غیر این صورت یعنی
در صورت فقد ولی و حجت نظام کل
ناقص و تطابق با نظام احسن که
نظام علمی ربوبی است نخواهد
داشت و این خلاف فرض مزبور است
پس لازمی نظام اتقن این است که
حتما به طور دائم مشتمل بر وجود
ولی و حجت من عند الله بوده باشد و
بر همین اساس و مبنی است که
نظام اتقن و عالم امکان در این
عصر و زمان مشتمل بر وجود ولی
حی قائم است و آن وجود مبارک
منحصرا حجت عصر حضرت مهدی
دوازدهمین نیر برج امامت و اختر
فروزان آسمان ولایت می باشد روحی
و ارواح العالمین له الفداء

برهان دوم-برهانی دیگر بر وجود
مقدس امام زمان علیه السلام

فارابي برهاني را اقامه کرده که
قابل انطباق بر وجود امام
زمان علیه السلام است. او می‌گوید:
«هر عضوي از اعضاي مدينه فاضله
را صلاحيت آن نيست که رياست
مدينه فاضله را بر عهده گيرد.
رئيس مدينه فاضله نمی‌تواند هر
کسي باشد، زیرا رياست به دو چيز
است: يکي آنکه شخص از حيث سرشت
و طبيعت آماده آن مقام باشد.
ديگر آنکه ملکه و هيئت ارادي
چنان کاري را داشته باشد. چنين
انساني، انسان کامل است که
بالفعل هم عقل است و هم
معقول.... اين رئيس هم معلّم است
و هم مرشد و هم مدبّر...».

فارابي براي برپايي اجتماع،
وجود معلّم را که همان امام است
ضروري می‌داند. و اين يکي از
عقاید شيعه است که بايد امام بر
اجتماع، اشراف کامل داشته باشد

این فیلسوف بزرگ، امام
را عقل بالفعل می‌داند،
یعنی انسانی که همه
امکانات عقلی، طبعی و
کسبی در وجود او در
مرتبه کمال و نهایی به
فعلیت رسیده و
دائم‌الاتصال به عقل فعّال
است، بلکه خود به گونه‌ای
عقل فعّال است. فارابی
چنین شخصی را شایسته آن
می‌داند که در رأس جامعه
قرار گیرد و معلّم و مربّی
و امام و رئیس باشد. در
نظر او این گونه رئیسی
در جامعه به منزله قلب
است در بدن انسان.

برهان سوم-دلیل دیگر بر وجود امام زمان علیه السلام

شرع مقدس نیز به گونه های
مختلفی، ضرورت حجت را در هستی و
نظام آفرینش، بیان فرموده است و
آیات و روایات متعددی در این
باره وجود دارد که ملاصدرا (ره)
در تفسیر گران سنگ خویش بر قرآن
مجید و شرح اصول کافی متعرض آن
شده و ما نمونه های را نقل می
کنیم.

ایشان در تفسیر آیه شریفه (ثم
قفینا علی آثارهم برسلنا وقفینا
بعیسی بن مریم و آتیناه الانجیل)
: [69] می فرماید

ان هذه الایه حجه علی عدم خلّو
الزمان عمن یقوم به حجه الله علی
خلقه اذ علم انه بهذا جرت سنه الله
من لدن آدم ونوح و آل ابراهیم
الی وقت نبینا (صلی الله علیه و آله
وسلم) ولن تجد لسنه الله تبديلاً»

⁶⁹ جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی (عج)، ص 318

برهان چهارم-- خداوند متعال
 می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛
 [70] «ای مؤمنین! تقوا پیشه کرده
 ».و همراه با صادقین باشید

مقصود از «صادقین» در آیه برخی
 از مؤمنین است نه جمیع آنان،
 حال این بعض چه خصوصیتی باید
 داشته باشد؟

از خود آیه استفاده می‌شود که
 مقصود به صادقین کسانی هستند که
 صادق علی‌الاطلاق هستند، و لذا
 علی‌الاطلاق امر به اطاعت آنها شده
 است، تا افراد مطیع با اقتدا و
 هدایت از آنها به حق و حقیقت و
 سعادت نایل آیند. نتیجه اینکه:
 «صادقین» در آیه همان حاملان وحی
 و خلفای رسول و امینان شرع و
 حامیان دین و ائمه هدایت و
 چراغ‌های هدایتند، کسانی که
 خداوند رجس و پلیدی را از آنان
 دور کرده و از هر عیب و نقصی

پاکشان کرده است. و اینان کسانی
غیر از اهل بیت عصمت و طهارت
پیامبرعلیهم السلام نیستند، که
اوّل آنها امیرالمؤمنین علی بن
ابی طالبعلیه السلام و آخر آنها
مهدیعلیه السلام است.

فخر رازی از آیه فوق استفاده
عصمت کرده و می‌گوید: «از این
آیه استفاده می‌شود که در هر
زمان باید صادقین معصوم موجود
[باشند...].» [71]

کلینی به سند خود از برید بن
معاویه عجلّی نقل کرده که از
امام باقرعلیه السلام درباره آیه
إِتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصّٰدِقِیْنَ
سؤال کردم؟ حضرت فرمود: «إِيَّانَا
عني» ؛ [72] «ما را قصد کرده
است.»

و نیز به سند خود از امام
رضاعلیه السلام در ذیل آیه فوق
نقل کرده که فرمود: «الصادقون

⁷¹ .تفسیر فخررازی، ج 16، ص 220

⁷² .کافی، ج 1، ص 208

هم الأئمة» : [73] «صادقین همان
...ائمه اند

حاکم حسکانی حنفی به سند خود از
عبدالله بن عمر در تفسیر آیه فوق
نقل کرده که مقصود از آن، محمد
[و اهل بیت اوست. 74]
سبط بن جوزی از قول علما در
تفسیر آیه فوق نقل کرده که
مقصود از آیه این است که با علی
و اهل بیتش باشید 75
برهان دیگر بر اثبات وجود حجت
عصر حضرت مهدی علیه السلام لزوم
حصول موجودات بغایت خود می باشد
و شکی نیست که عبادت تامه و
معرفت کامله منظور از خلقت و
آفرینش موجودات است به حکم (و
ما خلقت الجن و الانس الا
لیعبدون) ای لیعرفون و بحکم
حدیث شریف (كنت کنزا
مخفيا فاحببت ان اعرف فخلقت
الخلق لكي اعرف) و حصول این
عبادت و معرفت که مقصود از خلقت

73 همان.

74 شواهد التنزیل، ج 1، ص 345

75 تذکره الخواص، ص 16

است موقوف به بعث رسل و قیام
 حجت است و نظر به اینکه نبوت در
 حضرت عقل کل ﷺ (ص) ختم گردیده و
 شریعت جامعہ کامله آن حضرت تا
 روز قیامت باقی است و دوازده
 حجت اوصیاء قدیسین آن حضرت متمم
 و مکمل شریعت او می باشند به
 حکم آیه (الیوم اکملت لکم دینکم
 و اتممت علیکم نعمتی) و فقد حجت
 موجب انقطاع فیض و عدم معرف
 خلایق می گردد پس وجود حجت در هر
 دوری از ادوار و هر عصری از
 اعصار لازم و ضروری است و امروز
 حجت عصر و ولی زمان منحصرأ قطب
 عالم امکان حضرت بقیه الله مهدی
 قائم آل ﷺ است و هو المطلوب

امام زمان عج در آئینه آیات قران کریم

آیات متعددی در شان امام مهدی
 (عج) هست که امامان معصوم علیه
 السلام تفسیر، تاویل و تطبیق
 این آیات را بر وجود مقدس امام
 زمان (عج) و حکومت جهانی ان
 عدالت گستر بیان نموده اند . در
 زمینه ظهور و قیام آن حضرت و

جامعه آرمانی مهدوی، می‌توان
توصیفات و اشارات زیر را از
قرآن به دست آورد

غلبه نهایی حق بر باطل و شکست
جبهه کفر و فساد و نفاق⁽⁷⁶⁾ ؛
جانشینی و خلافت مستضعفان بر روی
زمین و حاکمیت صالحان و
نیکان⁽⁷⁷⁾ ؛
گسترش و فراگیری دین حق در
برهه‌ای خاص از زمان⁽⁷⁸⁾ ؛
از آن روز موعود، تحت عناوین
ایام الله⁽⁷⁹⁾، وقت معلوم⁽⁸⁰⁾، روز
نصرت و پیروزی⁽⁸¹⁾ و طلوع فجر و
سلامتی⁽⁸²⁾ و... یاد شده است ؛
در آیاتی از آن حضرت با نام‌های
نعمت باطنی⁽⁸³⁾، بقیة الله⁽⁸⁴⁾،

⁷⁶. اسراء (17)، آیه 81

⁷⁷. قصص (28)، آیه 5، انبیاء (21)، آیه 105

⁷⁸. توبه (9)، آیه 23

⁷⁹. جاثیه (45)، آیه 14، ابراهیم (14)، آیه 5

⁸⁰. حجر (15)، آیات 36-38

⁸¹. عنکبوت (29)، آیه 10

⁸². قدر (97)، آیه 50

⁸³. لقمان (31)، آیه 20

کلمه باقیه (85)، اولی الامر (86)؛
 مهتدون (87) (مهدی)؛ اقامه کننده
 نماز (88)، مضطر (89)، جنب الله (90)،
 حزب الله (91)، فجر (92)، «نهار اذا
 ..تجلی» (93) و... نام برده است
 خداوند، [با مهدی موعود]، نور
 خود را کامل می‌کند (94)؛
 در آن عصر، زمین بعد از مرگش،
 زنده می‌شود (95)؛
 او منصور از جانب خدا و انتقام

⁸⁴. هود (11)، آیه 86

⁸⁵. زخرف (43)، آیه 28

⁸⁶. نساء (4)، آیه 59

⁸⁷. بقره (2)، آیه 9

⁸⁸. حج (22)، آیه 41

⁸⁹. نمل (27)، آیه 62

⁹⁰. زمر (39)، آیه 56

⁹¹. مجادله (58)، آیه 22

⁹². فجر (89)، آیه 1

⁹³. لیل (92)، آیه 2

⁹⁴. صف (61)، آیه 8

⁹⁵. حدید (57)، آیه 17

گیرنده از دشمنان است⁽⁹⁶⁾ ؛
 زمین، به نور پروردگار، روشن
 خواهد شد⁽⁹⁷⁾ ؛
 در روز پیروزی، ایمان آوردن
 کافران، سودی به حالشان نخواهد
 داشت⁽⁹⁸⁾ ؛
 هر چه در روی زمین است، تسلیم و
 مطاع او خواهند شد⁽⁹⁹⁾ ؛
 حضرت مهدی «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ
 يَشَاءُ» است⁽¹⁰⁰⁾ ؛
شرق و غرب تحت سلطه آل محمد قرار
می‌گیرد

امام باقر علیه السلام درباره آیه
 شریفه : « الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي
 الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا
 الزَّكَاةَ . . . » فرمود : این آیه
 درباره حق آل محمد علیهم السلام است
 ، درباره مهدی علیه السلام و
 یارانش ، که خداوند شرق و غرب

⁹⁶. شوری (42)، آیه 41

⁹⁷. زمر (39)، آیه 69

⁹⁸ سجده (32)، آیه 29

⁹⁹ آل عمران (3)، آیه 8

¹⁰⁰. نور (24)، آیه 35

زمین را تحت سلطه آنان قرار
می‌دهد و به وسیله آنان دین را
پیروز گردانده و بدعتها و
باطلها را می‌میراند.¹⁰¹

مولود مبارك

اصبغ بن نباته می‌گوید :

روزی به حضور امیرالموءمنین
علیه السلام شرفیاب شدم ، حضرت در
فکر فرو رفته و زمین را با تگه
چوبی می‌کاوید . عرض کردم : یا
امیرالموءمنین ! می‌بینم که در
فکر فرو رفته و زمین را بررسی
می‌کنید آیا رغبتی به آن
یافته اید ؟

فرمود : نه ، قسم به خدا ! هیچ
رغبتی به آن و به دنیا حثی برای
يك روز نداشته و ندارم . به
مولودی فکر می‌کنم که یازده پشت
بعد از نسل من آشکار خواهد شد ،
و نامش مهدی است ، و زمین را
بعد از آن که از ظلم و جور

المحجّة فی ما نزل فی القائم الحجة (علیه السلام)» که توسط

¹⁰¹ محدث بزرگوار، مرحوم سید هاشم بحرانی

انباشته شده باشد پر از عدل و داد می‌کند . امر او اعجاب انگیز است ، و مدتها غیبت خواهد نمود ، به همین دلیل گروهی درباره او به گمراهی می‌روند و عده ای دیگر هدایت می‌یابند .^{۱۰۲}

آنانکه با یک نظر خاک را کیمیا کنند - آیا شود که گوشه
چشمی به ما کنند؟

- اشعاری از امام خمینی سلام الله علیه و آیه الله العظمی
خامنه‌ای در وصف حضرت مهدی علیه السلام :
امام خمینی :

مصدر هشت گردون مبدأ	خالق هر شش جهت محور
هر هفت اختر	دل هر پنج مصدر

والی چهار عنصر حکمران	پادشاه هر دو عالم حجت
هر سه اختر	یکتای داور

¹⁰² کمال الدین، ج 1، ص 289; بحار الانوار، ج 51، ص 118

آنکه وجودش شهره نه آسمان بل لامکان شد

مصطفی سیرت ، علی فر هم حسین قدرت ، علی زهد

فاطمه عصمت ، حسن خو و محمد علم و مه رو

شاه جعفر فیض و کاظم علم هم تقی تقوا ، نقی بخشایش

و هفتم قبله گیسو و هم عسگری مو

مهدی قائم که در وی جمع اوصافی چنان شد

پادشاه عسگری طلعت نقی بوالحسن فرمان و موسی

بخشایش ، تقی فر قدرت و تقدیر جعفر

علم باقر ، زهد سجاد و مجتبی حکم و رضیه عصمت

حسین تاج افسر و دولت چو حیدر

مصطفی اوصاف ، مجلای خداوند جهان شد^{۱۰۳}

آیه الله خامنه ای :

دل از بیخودی سر از خود جان را هوای از قفس تن

رمیدن است پریدن است

ز بیم مرگ نیست که سر بانگ جرس ز شوق به منزل

داده‌ام فنان رسیدن است

دستم نمی‌رسد که دل از باری علاج شوق ، گریبان

سینه برکنم دریدن است

شامم سیه‌تر است از خورشید من برآی که وقت

گیسوی سرکِشت دمیدن است

سوی تو ای خلاصه گلزار مرغ نکه در آرزوی پرکشیدن

زندگی است

بگرفته آب ورنگ ز فیض هر گل در این چمن که سزاوار

حضور تو دیدن است

با اهل درد ، شرح غم خود تقدیر قصه دل ز من ناشنیدن

نمی‌کنم است

آن را که لب به جام هوس روزی «امین» سزالب حسرت
گشت آشنا گزیدن است^{۱۰۴}

امام زمان علیه السلام بین رکن و
مقام، پنج ندا می دهد

در روایات اهل تسنن و شیعه آمده
است که امام زمان (عج) در
آغازین لحظات ظهور، ما بین رکن
و مقام می‌ایستند و پنج ندا
می‌دهند

أَلا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَا الْإِمَامُ
الْقَائِمُ.

آگاه باشید ای جهانیان که منم
امام قائم

أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَا الصَّمَامُ
الْمُنْتَقِمُ.

آگاه باشید ای اهل عالم که منم
شمشیر انتقام گیرنده

أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي .
الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ عَطْشَانًا

بیدار باشید ای اهل جهان که جد
من حسین را تشنه کام کشتند

أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي .
الْحُسَيْنَ طَرَحُوهُ غُرِيَانًا

بیدار باشید ای اهل عالم که جد
من حسین را روی خاک افکندند

أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ
سَحَقُوهُ عُذْوَانًا

آگاه باشید ای جهانیان که حق جد
من حسین را از روی کینه توزی
پایمال کردند¹⁰⁵

¹⁰⁵ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عج) «نوشته علی حایری یزدی

اگر حیات و زندگی امام زمان را
درک می کردم، خدمتکار امام زمان
می شدم

امام صادق علیه السلام درباره ی
امام زمان علیه السلام می
فرماید: "ولو أدركته لخدمته
أيام حیوتی" (1) من امام صادق
اگر حیات و زندگی امام زمان را
درک می کردم، خدمتکار امام زمان
می شدم. در خدمتش بودم، در
محضرش بودم و فرمان او را اجرا
می کردم.

علامه مجلسی در کتاب زاد المعاد
می فرماید: دعای ندبه از امام
صادق علیه السلام است. هفت مرتبه
امام صادق علیه السلام به امام
زمان علیه السلام می گوید:
"فدايت شوم"

به قربانت گردم یا بن الحسن، "
جانم به فدایت ای غایبی که از
ما جمعیت بیرون نیستی؛ در میان

ما مردمی و در میان ما مردم
زندگی می کنی. جانم به فدایت
یابن الحسن، ای آقای که تو را
دور می پنداریم، ولی تو از ما
"دور نیستی"¹⁰⁶

این جملات دعای ندبه نیز تایید
این مطلب است که غیبت امام زمان
به این معنا نیست که امام زمان
در کوه هاست، امام زمان در
بیابان هاست، امام زمان در دور
دست هاست و از ما فاصله دارد و
ما او را نمی توانیم زیارت
بکنیم بلکه آن حضرت به ما نزدیک
است

رویش مانند شب چهاردهم می درخشید
به گونه ای که از نور سیمای او
حیران گشتم

ابراهیم بن احمد نیشابوری گوید:
زمانی که عمرو بن عوف، [که
فرمانروایی ستمگر بود و به کشتن
شیعیان، علاقه فراوان داشت.]

قصد کشتن مرا کرد به شدت بیمناک
شدم و وحشت همه وجودم را فرا
گرفت. پس با خاندان و دوستان
خود خداحافظی کرده و رو به جانب
خانه امام حسن عسکری علیه
السلام کردم تا با ایشان نیز
وداع کنم و در نظر داشتم که پس
از آن بگریزم.

چون به خانه امام وارد شدم،
در کنار امام حسن عسکری علیه
السلام پسری دیدم که رویش مانند
شب چهاردهم می‌درخشید به گونه ای
که از نور سیمای او حیران گشتم
و نزدیک بود آنچه را در خاطر
داشتم [یعنی ترس از کشته شدن و
تصمیم به فرار] فراموش کنم.

در این هنگام آن کودک [به من
گفت: «ای ابراهیم، نیازی به
گریختن نیست! به زودی خدای
متعال، شرّ او را از تو دور
خواهد کر!» حیرتم بیشتر شد، به
امام عسکری علیه السلام گفتم:

فدای شما شو! این پسر کیست که
از درون من خبر می‌دهد؟! امام
عسکری علیه السلام فرمود: او
فرزند من و جانشین پس از من
است... ابراهیم گوید: بیرون
آدم در حالی که به لطف خداوند
امیدوار بودم و به آنچه از امام
دوازدهم، شنیده بودم، اعتماد
داشتم. چندی بعد، عمویم مرا به
کشته شدن عمرو بن عوف، بشارت
داد.¹⁰⁷

¹⁰⁷ کمال الدین، ج 2، باب 43، ح 2، ص 158